

CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاری ایران - ایالات متحدہ

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFECase No. 499Date of filing: 23, 4, 90

** AWARD - Type of Award Award
 - Date of Award 23 APR 90
— pages in English 61 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 494

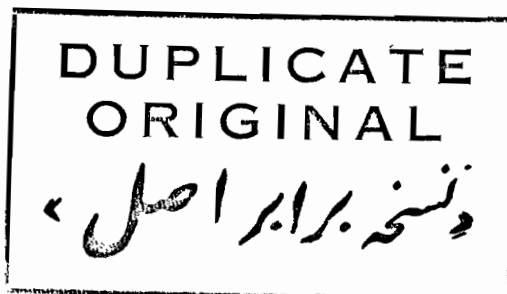
Chamber Three

پرونده شماره ۴۹۴

شعبه سه

حکم شماره ۳-۴۹۴-۴۶۴

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ



اینترنشنال سیستمز اند کنترولز کورپوریشن،

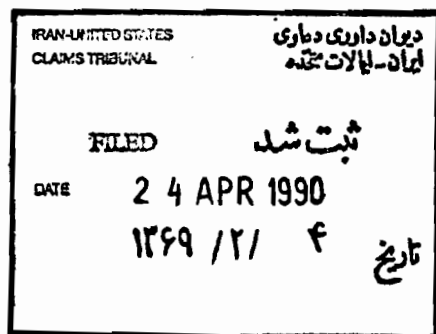
خواهان،

- و -

شرکت ملی گاز ایران،

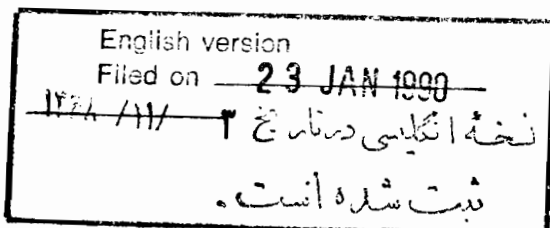
شرکت ملی نفت ایران، و

جمهوری اسلامی ایران،



خواندگان.

حکم



حاضران :

از جانب خواهان : آقای تامس وی. لنکفرد، جونیر،

آقای استیون ام. جانسن،

آقای جروم آوئرز،

مشاوران حقوقی،

آقای هرمن ام. فریتش،
آقای جولین وای. بارولازا،
شاهدان.

از جانب خوانندگان : آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
دکتر نعمت الله مختاری،
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای حسین پیران،
دستیار نماینده رابط،
آقای جهانبخش ارفع زنگنه،
آقای قدرت‌اله مهتدی،
آقای قاسم نکو نظر،
آقای ناصر توانایی پور،
نمایندگان شرکت ملی گاز ایران.

سایر حاضران : آقای تیموتی ئی. ریمیش،
نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا،
آقای مایکل اف. رابوین،
قائم مقام نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا.

فهرست مطالب

شماره بند

بخش اول - پیشگفتار و گردش کار ۱

بخش دوم - موضوعات مقدماتی

الف - لایحه بعد از استماع ۹

ب - صلاحیت ۱۰

۱ - تابعیت خواهان ۱۰

۲ - تابعیت خواندگان ۱۵

۳ - قید انتخاب مرجع رسیدگی و موضوع ادعا ۱۷

بخش سوم - ادعا

الف - شرح ماوقع ۲۰

ب - اظهارات خواهان ۵۵

ج - اظهارات خواندگان

۱ - اظهارات شرکت گاز ۶۶

۲ - اظهارات ایران ۷۷

د - اظهارات معارض ۷۸

ه - ماهیت دعوا ۸۴

۱ - توزیع عواید حاصل از فروش وسایل و تجهیزات ۸۵

۲ - عدم اجرای پروژه‌های گاز طبیعی مایع ۸۹

(الف) حدود قرارداد بازپرداخت ۹۰

۹۲ (ب) تعهدات قانونی شرکت گاز و استنباط طرفین
۱۰۸ (ج) تعهد اقدام با حسن نیت
۱۱۶ و - ادعای سلب مالکیت
۱۱۸ بخش چهارم - ادعاهای متقابل
۱۲۰ بخش پنجم - بهره و هزینه‌ها
۱۲۵ بخش ششم - حکم

بخش اول - پیشگفتار و گردش کار

۱ - خواهان، اینترنشنال سیستمز اند کنترولز کورپوریشن ("آی اس سی")، قرارداد مشارکتی با شرکای دیگر، برای توسعه ذخایر گاز طبیعی ایران جهت صدور منعقد ساخت. ادعای حاضر، از قیور ادعایی در بازپرداخت اصل وامهایی به مبلغ ۱،۹۲۴،۳۶۲/۹۲ دلار آمریکا (۱) ناشی می‌شود که طبق موافقتنامه‌ای ("موافقتنامه بازپرداخت") بین آی اس سی و شرکت ملی گاز ایران ("شرکت گاز") برای تأمین سرمایه این عملیات توسعه اعطا شده بود.

۲ - در تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲] آی اس سی دادخواست و تقاضایی برای تسریع رسیدگی ثبت کرده و از شرکت گاز، شرکت ملی نفت ایران ("شرکت نفت") و جمهوری اسلامی ایران ("ایران") به عنوان خواندگان نام برد.

۳ - خواهان لایحه جداگانه‌ای تحت عنوان "تقاضا برای تسریع رسیدگی" در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۱ [ششم آوریل ۱۹۸۲] به ثبت رساند. در مورد تسریع جریان رسیدگی تصمیمی اتخاذ نشد.

۴ - شرکت گاز در تاریخ اول شهریورماه ۱۳۶۱ [۲۳ اوت ۱۹۸۲] اصالتاً و از جانب وزارت نفت، ضمن پاسخ به دادخواست، ادعای متقابلی نیز به ثبت رساند. ایران و همچنین شرکت گاز طبیعی مایع کنگان ("کالینگاز") که یک شرکت مختلط ایرانی است در تاریخ پنجم شهریورماه ۱۳۶۱ [۲۷ اوت ۱۹۸۲] دفاعیه‌ای ثبت کردند. در پرونده حاضر از کالینگاز به عنوان خوانده نام برده نشده و شرکت نفت نیز در جریان

رسیدگی حاضر شرکت نکرده است.

۵ - در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۶۱ [۱۸ اکتبر ۱۹۸۲] خواهان جوابیه‌ای به ادعای متقابل شرکت گاز ثبت کرد که شرکت اخیر در دوم بهمن ماه ۱۳۶۴ [۲۲ ژانویه ۱۹۸۶] بدان پاسخ گفت.

۶ - در نهم تیرماه ۱۳۶۵ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۶] خواهان لایحه قبل از استماع خود را ثبت کرد. خواندگان، ایران و شرکت گاز لوائح خود را در ۱۱ آذرماه ۱۳۶۵ [دوم دسامبر ۱۹۸۶] به ثبت رساندند. لوائح معارضی توسط خواهان در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۶۶ [اول آوریل ۱۹۸۷]، توسط شرکت گاز در ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [چهارم مه ۱۹۸۷] و توسط ایران در ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۱۳ مه ۱۹۸۷] ثبت گردید.

۷ - جلسه استماعی در ۱۷ شهریورماه ۱۳۶۶ [هشتم سپتامبر ۱۹۸۷] برگزار شد.

۸ - به دنبال جلسه استماع، خواهان در ۲۶ شهریورماه ۱۳۶۶ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷] سندی به ثبت رساند که ظاهراً "صورت نرخ بهره ممتاز فرست نشنال بنک آو شیکاگو در فاصله ۲۴ آذرماه ۱۳۶۶ الی ۲۳ شهریورماه ۱۳۶۶ [۱۵ دسامبر ۱۹۴۷ الی ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۷] می‌باشد. در ۲۷ شهریورماه ۱۳۶۶ [۱۸ سپتامبر ۱۹۸۷]، ایران به ثبت این سند اعتراض کرد. دیوان داوری طی دستور مورخ ۲۱ مهرماه ۱۳۶۶ [۱۳ اکتبر ۱۹۸۷] خود مقرر داشت که به این موضوع در حکم حاضر رسیدگی خواهد کرد.

بخش دوم - موضوعات مقدماتی

الف - لایحه بعد از استماع

۹ - دیوان داوری بر این نظر است که مطالب مندرج در لایحه بعد از استماع خواهان صرفاً به موضوع نرخ بهره‌ای مربوط می‌شود که طبق قرارداد بازپرداخت تعلق می‌گیرد. گرچه بعضی از این اطلاعات بدون شک قبل از استماع پرونده در اختیار خواهان بوده، اما تعهد قراردادی پرداخت بهره نسبت به اصل مبلغ، تعهد مستمری است که به طور مداوم باید به روز در آورده شود. لایحه تسلیمی خواهان تأثیری در ماهیت دعوی ندارد. علاوه بر این، خواندگان از چگونگی محاسبه نرخ بهره مزبور، قبل از ثبت دادخواست آگاه بوده‌اند. ثبت محاسباتی که با استفاده از نرخهای منتشر شده‌ای صورت گرفته که به سهولت در دسترس خواندگان بوده، حقی از ایشان تضییع نمی‌کند. بنابراین دیوان ثبت سند یاد شده را می‌پذیرد.

ب - صلاحیت

۱ - تابعیت خواهان

۱۰ - آی اس سی اظهار می‌دارد که یک شرکت امریکایی است که تحت قوانین ایالت دلهور تأسیس گردیده و دایر است و در مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایالات متحده محسوب می‌شود. آی اس سی می‌گوید که ۴۳ درصد سهام آن متعلق به پنج نفر است که همه آنان شهروند ایالات متحده هستند و ۳۸ درصد دیگر از سهام آن متعلق به هیجده نفر سهامدار دیگر است که تصور می‌شود همگی شهروند یا شرکت امریکایی باشند. خواهان تصدیق می‌کند که در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۴ [۱۵ آوریل ۱۹۸۵] وی کلیه حقوق، مالکیت و علائق خود را در این ادعا به جیئوگس، اینک ("جیئوگس") منتقل کرده که ایضا" حسب ادعا یک شرکت امریکایی است.

۱۱ - آی اس سی به عنوان مدرک تابعیت امریکایی خود، نسخه‌ای از گواهی مورخ ۲۱ خردادماه ۱۳۶۵ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۶] تأسیس و دایر بودن خود را که توسط مسئول ثبت شرکت های ایالت دلهور صادر شده، و همچنین یک نسخه گواهی تأسیس و دایر بودن یکی از سهامداران عمده آی اس سی به نام (Deferred Credit Corporation) ("دی سی سی")، ایضا" به تاریخ ۲۱ خردادماه ۱۳۶۵ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۶] را، همراه با دو فقره شهادتنامه پاتریشیا دی. فاوئر، دبیر شرکت آی اس سی، که نیابت نامه‌های حق حضور و راعی در جلسات مجمع عمومی سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۲ پیوست آن بوده و در آن مورد اشاره واقع شده، تسلیم کرده است. آی اس سی همچنین گواهی تولد سه نفر از سهامداران دی سی سی را که حسب ادعا مالک ۶۱ درصد سهام آنند، ارائه کرده است.

۱۲ - خواندگان بدوا" ایراد گرفتند که آی اس سی مدارک کافی در باره تابعیت امریکایی خود ارائه نکرده و سپس اظهار داشتند که انتقال حقوق و علائق آی اس سی به جیوگس مانع ادامه تعقیب ادعا توسط آی اس سی می باشد. شرکت گاز و ایران، هر دو درخواست کرده اند که قرارداد انتقال بین آی اس سی و جیوگس ارائه شود.

۱۳ - دیوان داوری قبلا" نظر داده است که آی اس سی وفق بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایالات متحده است. بنگرید به حکم شماره ۲-۴۳۹-۲۵۶ مورخ چهارم مهرماه ۱۳۶۵ [۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶] صفحات ۲۱-۲۲ در پرونده اینترنتی سیستمز اند کنترولز کوریوریشن و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سایرین، (منتشره در 251, 239 Iran-U.S. C.T.R. 12) . خواندگان دلیلی ارائه نکرده اند تا دیوان در راعی قبلی خود تجدید نظر کند. لذا دیوان بر این نظر است که خواهان از نظر موضوع صلاحیت، تبعه ایالات متحده است.

۱۴ - دیوان همچنین تکلیف موضوع انتقال علایق آی اس سی به جیئوگس را طی دستور مورخ سوم دیماه ۱۳۶۵ [۲۴ دسامبر ۱۹۸۶] خود تعیین کرده است. در دستور یاد شده، دیوان نظر داد که "انتقال... بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] صورت گرفته، و لذا بر سمت خواهان طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی تأثیری ندارد".

۲ - تابعیت خوانندگان

۱۵ - خوانندگان بحثی ندارند که مشمول تعریف "ایران" به شرح مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشند. با اینحال، ایشان استدلال می‌کنند که کالینگاز یک شرکت خصوصی است و آی اس سی ادعا را بدون اجازه شرکت یاد شده مطرح ساخته است. خوانندگان به گونه‌ای دیگری نیز استدلال کرده، می‌گویند که ادعای آی اس سی متوجه کالینگاز است و لذا قابل رسیدگی توسط دیوان نمی‌باشد، زیرا که ادعای یک شرکت خصوصی علیه یک شرکت خصوصی دیگر است.

۱۶ - دیوان داوری ملاحظه می‌کند که قراردادهاییکه ادعای حاضر بر آنها مبتنی است، توسط آی اس سی با شرکت گاز منعقد شده و نه با کالینگاز. بنگرید به: بندهای ۴۳-۴۴ همین حکم. بنابراین، دیوان بر این نظر است که نسبت به خوانندگان موسوم، یعنی شرکت گاز، شرکت نفت و ایران صلاحیت دارد و لازم نمی‌داند که به موضوع سمت کالینگاز که در جریان رسیدگی حاضر طرف دعوی نیست، بپردازد.

۳ - قید انتخاب مرجع رسیدگی و موضوع ادعا

۱۷ - شرکت گاز استدلال می‌کند که ادعای حاضر صرفاً از قرارداد بازپرداخت وام ناشی نشده، بلکه از یک قرارداد قبلی به تاریخ ۲۷ مهرماه ۱۳۵۱ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۲] بین

کلیه شرکت کنندگان در شرکت مختلط کالینگاز نیز ناشی می‌شود. قرارداد یاد شده که "قرارداد مشارکت" نامیده می‌شود، مقرر می‌دارد که داوری اختلافات در تهران صورت گیرد و قوانین ایران حاکم بر آن است. قید داوری قرارداد مشارکت طی ماده ۱۱ قرارداد باز پرداخت در قرارداد اخیرالذکر درج گردیده است. ماده ۱۱ بدین شرح است: "شرایط داوری ذیل ماده ۱۹ قرارداد مشارکت، ناظر بر موافقت نامه حاضر خواهد بود". شرکت گاز استدلال می‌کند که قید مزبور، رسیدگی به اختلافات [فیما بین] را طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، از صلاحیت دیوان خارج می‌سازد. شرکت گاز همچنین استدلال می‌کند که ماده ۱۹ قرارداد مشارکت مقرر می‌دارد که اختلافات فقط با توافق اکثریت طرفهای [قرارداد] قابل ارجاع به داوری است و لذا آی اس سی نمی‌تواند به تنهایی اقدام به ارجاع امر به داوری کند.

۱۸ - خواهان استدلال می‌کند که شرط داوری قرارداد مشارکت صلاحیت انحصاری برای دادگاههای ایران قابل نشده و لذا اختلاف را از حیطه صلاحیت دیوان خارج نمی‌سازد. آی اس سی همچنین سایر استدلالات صلاحیتی شرکت گاز را "بیربط" دانسته، رد می‌کند.

۱۹ - دیوان داوری در تعدادی موارد نظر داده است که شروط داوری از قبیل شرط مندرج در قرارداد مشارکت (و لذا، همچنین شرط مندرج در قرارداد بازپرداخت) از دیوان سلب صلاحیت نمی‌کند. برای مثال، بنگرید به: قرار اعدادی شماره ITL-9-466-FT مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] در پرونده درسر اینداستریز، اینک و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، (منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R. 280). علاوه بر این، ادعای خواهان از قرارداد بازپرداخت ناشی می‌شود که طرفین آن منحصرآ آی اس سی و شرکت گاز هستند و نه از قرارداد چند جانبه مشارکت. از اینرو، شرط مربوط به تقاضای اکثریت طرفها برای ارجاع اختلاف به

داوری] موثر در مقام نیست. در نبود ایرادات دیگر، دیوان نتیجه می‌گیرد که نسبت به کلیه جنبه‌های ادعای حاضر صلاحیت رسیدگی دارد، مشروط بر آنکه به نظر دیوان قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بوجود آمده باشند. بنگرید به: بندهای ۱۱۴-۱۱۵ همین حکم. موضوع صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل شرکت گاز در بخش چهارم حکم مورد بررسی واقع شده است.

بخش سوم - ادعا

الف - شرح مآوقع

۲۰ - در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲، آی اس سی از طریق یکی از شرکتهای فرعی خود، طرحی برای اکتشاف و توسعه ذخایر گاز طبیعی فلات قاره در خلیج فارس و نیز احداث تانسيسات ساحلی برای تولید و صدور گاز طبیعی مایع، تهیه و به ایران ارائه کرد. طرح مزبور متضمن اقدامات زیر بود: (۱) اکتشاف مشترک منطقه (formation) "خوف" در خلیج فارس برای تعیین وجود یا عدم وجود مقادیر کافی گاز طبیعی که احداث تانسيسات گاز طبیعی مایع را توجیه کند و (۲) تشکیل یک شرکت سهامی برای احداث تانسيسات گاز طبیعی مایع و سپس، حمل و فروش محصول گاز طبیعی مایع.

۲۱ - در مارس ۱۹۷۲، شرکت گاز طرح را پذیرفت و موافقت نامه‌ای با آی اس سی منعقد ساخت. آی اس سی گروهی شرکای غیر ایرانی برای کمک به جنبه‌های مختلف پروژه گرد هم آورد. این گروه تشکیل می‌شد از: هالفدن دیتلو - سیمونسن اند کامپنی ("هالفدن") و فرد اولسن اند کامپنی، که هر دوی آنها مونسسات کشتی سازی نروژی هستند، و شرکت نیسشوا-یوایی کامپنی لیمیتد ("نیسشو")، یک شرکت ژاپنی که قرار بود گاز طبیعی مایع را در ژاپن به فروش رساند. این چهار شریک

در ۲۷ مهرماه ۱۳۵۱ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۲] قرارداد مشارکت را با شرکت گاز منعقد ساختند که رسماً مبنای ایجاد طرح کالینگاز گردید و تأسیس کالینگاز به عنوان یک شرکت سهامی در آن مقرر شد (۲). از شرکت گاز، به عنوان "طرف اول" قرارداد مشارکت، با مالکیت ۵۰ درصد سهام کالینگاز نام برده شد. ۵۰ درصد بقیه بین ای اس سی و سایر شرکای غیر ایرانی که مجتمعاً "طرف دوم" نامیده شدند، تقسیم گردید.

۲۲ - به تدریج که پروژه تکوین یافت، شرکای دیگری نیز به طرف دوم اضافه شدند، به اسامی: شیکاگو بریج اند آیرن کامپنی ("سی بی آی")، انسرچ سرویس کامپنی آو ایران ("انسرچ") و کریناویس سیستماس ناوالس ئی کریوگینکوس اس. آ. ("کریناویس")، که هر یک بخشی از ۲۷/۵ درصد حصة اولیه آی اس سی از سهام کالینگاز را در اختیار گرفت. در سال ۱۹۷۵، کنسرسیومی از شرکتهای ژاپنی موسوم به چین کالینگاز کامپنی، لیمیتد ("کالینگاز ژاپن") جای نیشو را گرفت.

۲۳ - به موجب مفاد قرارداد مشارکت، در سوم اسفندماه ۱۳۵۱ [۲۲ فوریه ۱۹۷۳] موافقت نامه دیگری بین طرفهای اولیه قرارداد مشارکت، برای تأمین سرمایه پروژه منعقد گردید ("قرارداد اعتبار").

۲۴ - قراردادهای مشارکت و اعتبار مبنای پروژه محسوب می‌شوند و حاوی توافقیها و تفاهمهای اولیه طرفین می‌باشند. قرارداد مشارکت مقرر می‌دارد که کالینگاز مسئول طراحی، ساختمان و اداره یک کارخانه تبدیل گاز مایع و تأسیسات مربوطه خواهد بود. همچنین قرار بود کالینگاز سالانه حدود چهار تا هفت میلیون تن متریک گاز

(۲) کالینگاز به عنوان یک شرکت ایرانی در سال ۱۳۵۳ تأسیس گردید.

طبیعی مایع به فروش رسانده و صادر کند. طرف دوم ملزم بود "کلیه سرمایه لازم برای اجرای طرح را که تقریباً بالغ بر ۶۵۲ میلیون دلار امریکا می‌شود و منجمه، و بدون قید محدودیت، شامل سهم‌الشرکه طرف اول و دوم می‌باشد،... طبق شرایطی که مورد قبول طرفین باشد، ترتیب" دهد. قرارداد مشارکت مشخصاً مقرر می‌داشت: "وثیقه اعتبارات و وام‌های دریافتی کالینگاز" عبارت خواهد بود از قراردادهای مقطوع خرید و فروش گاز طبیعی مایع بر مبنای take or pay [قبول کالا یا پرداخت بها] و وثیقه‌های دیگری که مورد توافق طرفین قرار گیرد. تفاهم حاصل شده بود که تضمین طرفین لازم نخواهد بود."

۲۵ - به موجب ماده ۲ قرارداد مشارکت، شرکت گاز مسئول کلیه عملیات مربوط به حفاری، اکتشاف و بهره‌برداری از چاهها، علاوه بر فروش گاز طبیعی به کالینگاز بود. با اینحال، طرف دوم مسئول تأمین وجوه لازم برای "تأیید و توسعه ذخایر گاز، منجمه و بدون قید محدودیت، حفاری چاهها" بود. طبق مفاد قرارداد، "بازپرداخت وجوه مزبور، مشروط به کشف و تأیید موجود بودن ذخایر گاز به مقدار کافی جهت تأمین احتیاجات طرح و امکان تهیه وام برای طرح..." بود.

۲۶ - تعهدات مالی طرف دوم به صورت روشن‌تری در موافقت‌نامه اعتبار تشریح گردیده که به موجب آن، قرار بود طرف دوم بابت حداکثر سه حلقه چاه تأییدی، وجوهی پیشاپیش بپردازد. طرح به دو مرحله تقسیم شد: "مرحله اول" شامل پیشرفت کار تا مرحله حفر اولین چاه تأییدی بود و "مرحله دوم" حفر حداکثر دو چاه تأییدی دیگر را در بر می‌گرفت. هر یک از اعضای طرف دوم می‌توانست در صورت تمایل در پایان مرحله اول از طرح خارج شود. شرکت گاز تعهدی به بازپرداخت هیچ مقدار از پیش پرداخت‌های موضوع موافقت‌نامه اعتبار نداشت، "مگر آنکه در طرح تأیید شود که ذخایر گاز به مقدار کافی... برای تأمین احتیاجات طرح و امکان تهیه وام برای طرح به شرحی که در قرارداد مشارکت اشاره شده، وجود دارد."

۲۷ - شرکت گاز برنامه حفاری چاه تاعییدی ("حفاری تاعییدی") را در اوت ۱۹۷۳ آغاز کرد. اطلاعات ارائه شده به دیوان حاکی است که برنامه با موفقیت فراوان اجرا شد. طبق گزارشی که در مه ۱۹۷۶ برای کالینگاز تهیه شد، منطقه مورد کاوش که به میدان پارس معروفست، بزرگترین حوزه گاز طبیعی در خارج از اتحاد شوروی بوده که ذخایر آن به مراتب از احتیاجات پروژه کالینگاز بیشتر بود. در ۱۹ تیرماه ۱۳۵۵ [دهم ژوئیه ۱۹۷۶]، آقای ت. مصدقی، مدیرعامل وقت شرکت گاز طی نامه‌ای به یکایک اعضای طرف دوم اعلام کرد که "بی هیچ تردیدی... نیازمندیهای گاز طبیعی شرکت کالینگاز را می‌توان از محل گاز طبیعی قابل استحصال از طاقدیس پارس، برآورده ساخت".

۲۸ - برنامه یاد شده گرچه با موفقیت عظیمی اجرا شد، با اینحال برای طرف دوم عمدتاً به دلیل تورم، هزینه‌ای به مراتب بیش از آنچه که بدواً پیش بینی شده بود، در بر داشت. شرکت گاز مایل بود بلافاصله حفاری چاههای توسعه‌ای ("حفاری جهت توسعه") آغاز شود. اعضای طرف دوم بدواً به دلیل افزایش هزینه‌ها مایل نبودند وجوه بیشتری پیش پرداخت کنند، اما پس از مذاکراتی، قرارداد دیگری به نام "قرارداد وام" در ۲۷ مهرماه ۱۳۵۵ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۶] امضا شد، که مقرر می‌داشت برای تأمین سرمایه چاههای توسعه‌ای (تولیدی) کلیه پیش پرداختهای جدید "براساس همان شرایطی اعطا خواهد شد که وامهای اعطایی به کالینگاز تحت [قرارداد اعتبار]".

۲۹ - به دلیل عظمت میدان پارس، شرکت نفت قادر بود جدا از طرح کالینگاز، را "سا" عملیات حفاری را آغاز کند. در اوایل سال ۱۹۷۷، شرکت گاز به طرف دوم اعلام کرد که شرکت نفت علاقمند است مسئولیت برنامه حفاری توسعه‌ای شرکت گاز را به عهده گیرد. در ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [دهم مه ۱۹۷۷] شرکت نفت با رضایت و موافقت کامل طرف دوم، کنترل کلیه عملیات و تجهیزات حفاری شرکت گاز را به

دست گرفت. از آن تاریخ، طرف دوم از هرگونه تعهد بعدی برای تأمین هزینه برنامه حفاری توسعه‌ای معاف و قادر شد که توجه خود را به تأمین مالی بلند مدت برای طرح گاز طبیعی مایع کالینگاز معطوف نماید.

۳۰ - همانطور که بدواً انتظار می‌رفت، موفقیت طرح گاز طبیعی مایع، منوط به تأمین ۱۰۰ درصد سرمایه پروژه از طریق تحصیل قراردادهای بلند مدت فروش گاز بر اساس "take or pay" [قبول کالا یا پرداخت بها] بود. انجام اینکار با مشکل روبرو شد. در گزارشی که در ژانویه ۱۹۷۷ توسط مشاوران مالی کالینگاز، یعنی بنکرز تراست اینترنشنال لیمیتد و لویدز بنک اینترنشنال لیمیتد تهیه شد، به کلیه طرفهای قرارداد مشارکت اطلاع داده شد که تأمین مالی بلند مدت و ترتیب قراردادهای خرید گاز طبیعی مایع کار آسانی نیست، زیرا کالینگاز مالک گاز طبیعی که قرار است از میدان پارس تولید شود نیست، بلکه صرفاً حق خرید چنین گازی را دارد. مشاوران مالی خاطرنشان ساختند که لازم است هر یک از سهامداران، حصه‌ای از سرمایه طرح را تقبل کند و کشور میزبان، یعنی ایران ملزم گردد که به خریداران احتمالی، تضمین‌هایی در مورد مخاطرات سیاسی، از جمله قبول تعهدات مربوط به اقساط وامها در صورت قطع تحویل گاز طبیعی مایع، ارائه کند. مشاوران مالی همچنین متذکر شدند که تا آنجا که اطلاع دارند هیچ طرح گاز طبیعی مایعی تاکنون از طریق قراردادهای "قبول کالا یا پرداخت بها" تأمین هزینه نشده است.

۳۱ - علیرغم گزارش مزبور، شرکت گاز در جلسات مورخ ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۵ [۱۵ و ۱۶ فوریه ۱۹۷۷] سهامداران اعلام کرد که "حاضر به قبول تغییری در اسناد اصلی نیست" و از شقوق پیشنهادی در گزارش مالی، دو شقی که دولت ایران را ملزم به تضمین تأمین اعتبار صادراتی می‌کند، مورد قبول شرکت گاز نمی‌باشد. آقای مصدقی که در آن زمان رئیس شرکت گاز بود، اظهار داشت که:

چنانچه تا پایان آوریل ۱۹۷۷، طرف دوم راه حلی عملی برای ادامه پروژه ارائه ندهد، وی چاره‌ای ندارد جز آنکه اختاریه‌ای به هر یک از سهامداران طرف دوم بدهد مبنی بر اینکه دلایل واقعی برای فسخ قرارداد مشارکت وجود دارد.

در آن جلسه، آقای مصدقی چندین بار بر مهلت آوریل ۱۹۷۷ تأکید کرد و در پایان گفت که "پروژه کالینگاز را شاید بتوان رها کرد، لکن نمی‌توان آنرا به تأخیر انداخت".

۳۲ - تا بهار سال ۱۹۷۷ شرکای طرف دوم شروع به تنظیم دو پروژه جداگانه برای کالینگاز کرده بودند. کریناویس برنامه‌ای برای ساختمان تأسیسات شناور دریایی برای تولید گاز مایع تهیه کرده بود که فقط به ۱۰ درصد تأمین سرمایه توسط طرف دوم احتیاج داشت. کالینگاز ژاپن برنامه‌ای برای تأسیسات زمینی پایه (land - based) در دست تهیه داشت که در ژوئن ۱۹۷۷ رسماً تسلیم گردید. اندکی قبل از انقضای مهلت مورد اشاره آقای مصدقی در جلسه ماه فوریه سهامداران، طرف دوم طی نامه مورخ نهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [۲۹ آوریل ۱۹۷۷] به شرکت گاز اعلام کرد که "طرح کالینگاز به مرحله‌ای رسیده که سهامداران طرف دوم می‌توانند به اطلاع شما برسانند که تعهد تأمین وجوه آن توسط سهامداران طرف دوم، بر آن اساس میسر و تاریخ دهم دیماه ۱۳۵۶ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۷] برای تحویل پروژه قابل حصول است." پیشنهاد کریناویس در جلسات مورخ دهم و یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [۳۰ آوریل و اول مه ۱۹۷۷] هیأت مدیره کالینگاز به طور اصولی پذیرفته شد، با این قید که پیشنهاد کالینگاز ژاپن نیز به موازات آن اجرا گردد. در یک سند داخلی که آی اس سی در همان زمان تسلیم نموده، اشاره شده است که پروژه کالینگاز ژاپن احتمالاً متضمن امکان خرید سهام خواهد بود و نتیجه گرفته شده است که "این امر به روشنی آغاز حرکتی است از جانب [کالینگاز ژاپن] در جهت تبدیل این طرح به یک پروژه صد در صد ژاپنی".

برای اینکه مهلت‌های مورد نظر برای ایفای تعهد رعایت گردد، هر دو پروژه می‌بایست تا تاریخ دهم شهریورماه ۱۳۵۶ [اول سپتامبر ۱۹۷۷]، آماده اجرا می‌بود.

۳۳ - پیشنهاد رسمی کالینگاز ژاپن در جلسه مورخ چهارم تیرماه ۱۳۵۶ [۲۵ ژوئن ۱۹۷۷] هیأت مدیره بین سایر اعضای طرف دوم توزیع گردید. در مقدمه پیشنهاد ذکر شده: "در این پیشنهاد فرض بر اینست که سایر سهامداران طرف دوم ممکن است مایل به شرکت در طرح نباشند". در این جلسه همچنین گفته شد که تنها در صورتی می‌توان ضرب‌الاجل دهم شهریور [اول سپتامبر] را رعایت کرد که شرکت گاز بتواند مدتی قبل از آن تاریخ در مورد قیمت گاز (feed gas) با شرکت نفت به توافق برسد. دکتر ابوسعیدی، نماینده شرکت گاز در آن جلسه تأیید کرد که شرکت گاز در حال تسریع مذاکرات با شرکت نفت در مورد این موضوع است. در هفتم شهریورماه ۱۳۵۶ [۲۹ اوت ۱۹۷۷]، شرکت نفت تضمین نامه‌ای برای شرکت گاز صادر کرد، بدین مضمون که به مدت ۲۰ سال از تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۶۰ [اول ژانویه ۱۹۸۲] گاز طبیعی به میزان ۱/۴ میلیارد پای مکعب استاندارد در روز به شرکت گاز یا به کالینگاز تحویل دهد. در نامه مزبور قیمتی برای گاز تعیین نشد.

۳۴ - در نهم شهریورماه ۱۳۵۶ [۳۱ اوت ۱۹۷۷]، کالینگاز ژاپن پیشنهادی برای تأمین سرمایه احداث تأسیسات زمین پایه خود کلا" به هزینه ۷۶۴ میلیون دلار به شرکت گاز ارائه کرد. پیشنهاد مذکور متضمن تأمین ۵۰ درصد سرمایه توسط ژاپن از طریق اعتبار صادراتی بود که می‌بایست توسط دولت ایران تضمین می‌شد. ۵۰ درصد بقیه سرمایه می‌بایست توسط اعضای طرف دوم تأمین می‌گردید.

۳۵ - متعاقباً مذاکرات مختلفی بین شرکای طرف دوم صورت گرفت که به تشکیل جلسه سهامداران در اول آبانماه ۱۳۵۶ [۲۳ اکتبر ۱۹۷۷] در تهران منجر گردید.

صورتجلسه این نشست حاکی است که "تفاهم نامه" ای (که ارائه نشده) در ۳۰ مهرماه ۱۳۵۶ [۲۲ اکتبر ۱۹۷۷] بین اعضای طرف دوم منعقد شده است. به طوریکه در صورتجلسه اجمالا آمده، در تفاهم نامه تصدیق شده است که در چارچوب طرح کالینگاز، اجرای تعدادی پروژه امکان پذیر است و شاید همه اعضای طرف دوم مایل به مشارکت در یکایک پروژه‌ها نباشند. بنابراین، در تفاهم نامه قید شد که هر یک از سهامداران مختار به ادامه یا عدم ادامه شرکت در طرح کالینگاز است و هر عضوی که از طرح کناره‌گیری کند می‌تواند پیش پرداخت های قبلی خود را از محل فروش گاز "از هر یک از پروژه‌های گاز طبیعی مایع یا کلیه آنها" دریافت نماید. در تفاهم نامه همچنین مقرر گردید که طرفهای غیر شرکت کننده موافقت کنند که از حقوق و کلیه دعاوی خود در پروژه‌هایی که در آنها شرکت نمی‌کنند، غیر از حق وصول پیش پرداختها اعراض کنند. در صورتجلسه مورخ اول آبانماه ۱۳۵۶ [۲۳ اکتبر ۱۹۷۷] منعکس شده است که:

رئیس جلسه [آقای مصدقی] اظهار داشت که تصور وی این است که شرکت گاز فقط در چارچوب قرارداد مشارکت و مادام که بازپرداخت بتواند از محل فروش گاز طبیعی مایع انجام شود، متعهد به استرداد پیش پرداخت هایی است که طرف دوم تاعديه نموده است.

دکتر ابوسعیدی تأکید کرد که آن عده از اعضای طرف دوم که در چارچوب قرارداد مشارکت در پروژه‌های گاز طبیعی مایع شرکت نمی‌کنند، باید سهام خود را به قیمت اسمی به شرکت گاز منتقل سازند.

رئیس جلسه سپس خاطرنشان ساخت که شرکت گاز تعهدی به بازپرداخت وجوه تاعديه شده توسط طرف دوم تحت قرارداد مشارکت نخواهد داشت، مگر آنکه پروژه گاز طبیعی مایع در چارچوب قرارداد مشارکت ظرف شش ماه از این تاریخ آغاز شود.

آینده شرکت

رئیس جلسه اظهار داشت که وی امروز اخطاریه‌ای به هر یک از سهامداران طرف دوم خواهد داد مبنی بر اینکه قرارداد مشارکت ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ این اخطاریه به سهامداران طرف دوم، فسخ خواهد شد، مگر آنکه سهامداران یاد شده یک پروژه قطعی گاز طبیعی مایع ظرف مدت شش ماهه مزبور آغاز کنند.

۳۶ - در نتیجه، در دوم آبانماه ۱۳۵۶ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۷]، آقای مصدقی اخطاریه‌ای به شرح زیر برای شرکای طرف دوم فرستاد:

بررسی... مفاد قرارداد [مشارکت] با توجه به تحولاتی که از زمان امضای قرارداد به وقوع پیوسته، به روشنی مواردی را نشان می‌دهد که طرف دوم قرارداد را نقض کرده است. علاوه بر این، علی‌رغم تمهیدهای مکرر مهلت تحقق طرح، طرف دوم هنوز قادر نیست طرحی عملی ارائه نماید و مسئولیتهای مقرر برای هر یک از سهامداران کالینگاز را برای اجرای چنین پروژه‌ای به عهده بگیرد.

با توجه به دلایلی که اجمالا در بالا ذکر شد و نقض قرارداد را از ناحیه طرف دوم محرز می‌کند، با کمال تأسف بدینوسیله با استناد به مفاد بند ۲ ماده ۱۳ قرارداد، اخطار فسخ ششماهه‌ای از این تاریخ به شما تسلیم می‌گردد.

۳۷ - کالینگاز ژاپن به ویژه، به شرکت گاز اعتراض و اعلام کرد که اخطار فسخ را نمی‌پذیرد. شرکت گاز در پاسخ مورخ پنجم آذرماه ۱۳۵۶ [۲۶ نوامبر ۱۹۷۷] خود خاطرنشان ساخت که شرکای طرف دوم بابت اجرای تعهدات موضوع قرارداد مشارکت مشترکا در برابر شرکت گاز مسئولند. شرکت گاز در خاتمه نامه چنین نوشت:

البته ما متوجه هستیم که شما تلاشهایی برای اجرای طرح زمین پایه پیشنهادی برای گاز طبیعی مایع، خارج از حیطه فعالیت‌های سایر اعضای طرف دوم و مستقل از آنها، به عمل آورده‌اید، لکن نظر به اینکه طرح مزبور هنوز به مرحله تحقق نرسیده، برای ما مشکل است که در این مرحله راجع به آن اظهار نظر کنیم. معهذاً انتظار داریم که شما اقدامات لازم را برای تحقق این پروژه به ترتیبی که زمان بندی شده و به هر حال، حداکثر تا تاریخ انقضای اطلاعیه یاد شده، انجام دهید.

۳۸ - در تاریخ پنجم دیماه ۱۳۵۶ [۲۶ دسامبر ۱۹۷۷]، کالینگاز ژاپن آخرین پیشنهاد‌های خود را برای تأمین سرمایه تأسیسات زمین پایه، برمبنای پیشنهاد تسلیمی به شرکت گاز در ماه اوت، کتبا به اطلاع سایر شرکای طرف دوم رساند. این پیشنهاد متضمن آن بود که هر سهامداری به تناسب سهم خود، ۲۰ درصد کل هزینه سرمایه گذاری را به عنوان سرمایه سهامی تأمین کند و ۸۰ درصد بقیه از طریق

وام تأمین گردد. از این ۸۰ در صد، نصف مبلغ می‌بایست از طریق اعتبارات صادراتی از ژاپن تأمین و توسط دولت ایران تضمین و بقیه، توسط اعضای طرف دوم به تناسب از طریق وامهای مستقیم تهیه می‌گردید. در پیشنهاد چنین فرض شد که بعضی از سهامداران طرف دوم شاید مایل به شرکت در طرح نباشند و اعلام گردید که این قبیل سهامداران پیش پرداخت های موجود را "به طریقی که آخر الامر بین شرکت گاز و اعضای طرف دوم توافق شود" پس خواهند گرفت. کالینگاز ژاپن به هر یک از اعضای طرف دوم سی روز فرصت داد تا به آن شرکت اعلام کند که مایل به شرکت در طرح کالینگاز ژاپن به ترتیب مشروح در بالا هست یا خیر. آی اس سی پاسخی به پیشنهاد نداد.

۳۹ - در این اثناء، کار در مورد پیشنهاد کریناویس پیش می‌رفت و در تاریخ دهم اسفندماه ۱۳۵۶ [اول مارس ۱۹۷۸] کریناویس پیشنهاد مشترکی با جنرال الکتریک کورپوریشن در مورد تأسیسات شناور کلا" به هزینه ۷۳۲ میلیون دلار امریکا، به شرکت گاز ارائه کرد. کریناویس در نظر داشت ۹۰ در صد این مبلغ را از طریق وامهایی که فقط به تضمین شرکت گاز و تضمین متقابل هر یک از سهامداران دیگر در برابر شرکت یاد شده احتیاج داشت و نیازمند ضمانت دولت ایران نبود، ترتیب دهد. پیشنهاد مزبور منوط به قبول و اجرای قرارداد غیرمشروطی تا دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۳۰ آوریل ۱۹۷۸] بود.

۴۰ - در تاریخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۳ مارس ۱۹۷۸] کالینگاز ژاپن "برنامه مشترکی برای اجرای" پروژه کالینگاز ژاپن به صورت اصلاح شده، به شرکت گاز تسلیم کرد. در این برنامه، از جمله پیش بینی شده بود که مذاکره راجع به تأمین سرمایه تا اواسط ژوئن ۱۹۷۸ انجام شود و در اکتبر ۱۹۷۸ تعهد رسمی و امضای قراردادهای وام صورت گیرد. روز بعد، آقای مصدقی طی نامه‌ای از طرف شرکت گاز به کالینگاز ژاپن، برنامه زمانی اصلاحی برای اجرای طرح کالینگاز را پذیرفت.

متن این نامه که برای درک رویدادهای بعدی حائز اهمیت اساسی است، به شرح زیر است:

بدینوسیله وصول برنامه اصلاح شده مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۷ [۱۳ مارس ۱۹۷۸] مربوط به اجرای مشترک پروژه ژاپنی تأسیسات زمین پایه گاز طبیعی مایع، که نسخه‌ای از آن پیوست است، تأیید می‌شود. شرکت گاز برنامه زمانی یاد شده را برای اجرای طرح ژاپنی می‌پذیرد.

پذیرش این برنامه توسط شرکت گاز منوط به اینست که نامه‌ای طبق نظر شرکت گاز مبنی بر تأیید قصد کالینگاز ژاپن به اجرای این پروژه، قبل از انقضای اخطار مندرج در نامه مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۶ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۷] ما دریافت گردد.

شرکت گاز مضافاً موافق است که به شرایط ماده ۱۳ قرارداد مشارکت در رابطه با کالینگاز ژاپن، استناد نکند، مشروط بر آنکه پروژه زمین پایه گاز طبیعی مایع که اکنون در دست مذاکره است، به نحو مقرر طبق برنامه پیوست به اجرا در آید.

شرکت گاز همچنین اعلام می‌کند که آن عده از سهامداران طرف دوم که در پروژه ژاپنی شرکت نمی‌کنند از تاریخ کناره‌گیری خود، دیگر سهامدار کالینگاز محسوب نمی‌شوند، شرکت گاز اقدام لازم را برای تکمیل یا اصلاح قرارداد مشارکت به نحوی که موارد پیشگفته را در بر گیرد، به عمل خواهد آورد.

موجب امتنان خواهد بود اگر پذیرش موارد بالا را اعلام فرمایید. در انتظار اجرای مشترک پروژه ژاپنی با شما هستیم.

کالینگاز ژاپن در تاریخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۷ [۱۵ آوریل ۱۹۷۸] به نامه فوق پاسخ داده، ضمن تأیید دریافت نامه شرکت گاز، اعلام کرد:

به عنوان شریک شما در پروژه حاضر، مایلیم موارد زیر را تأیید کنیم.

- ۱ - کالینگاز ژاپن حداکثر تا میزان ۴۷/۵ درصد در پروژه سهم خواهد داشت. به طوریکه اطلاع داریم سهم سی بی آی ۲/۵ درصد است و شرکت گاز نسبت به ۵۰ درصد بقیه مشارکت خواهد داشت.
- ۲ -
- ۳ - کل هزینه سرمایه گذاری پروژه، منهای سرمایه سهام و وام مستقیم سی بی آی را ژاپن به گونه‌ای که توافق شود، تأمین خواهد کرد.

۴۱ - تا این مرحله، اکثریت اعضای طرف دوم تصمیم گرفته بودند که در پروژه کالینگاز ژاپن شرکت نکنند. در یک یادداشت داخلی مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۳] مارس ۱۹۷۸] سی بی آی، به پاراف قراردادهای بازپرداخت و تفویضی با شرکت گاز در مورد بقیه سهام شرکت مزبور در کالینگاز اشاره و قید شده است که انسرج و هالفدن هر دو در حال تهیه اسناد مشابهی هستند. در این یادداشت گفته شده است که قرارداد بازپرداخت بین سی بی آی و شرکت گاز مقرر می‌دارد که استرداد پیش پرداختها، به نسبت تولید حاصل از کلیه پروژه‌هایی صورت خواهد گرفت که از میدان پارس استفاده می‌کنند و نه صرفاً از پروژه کالینگاز. سی بی آی بر مبنای بازده تخمینی مندرج در پیشنهاد کالینگاز ژاپن، محاسبه کرد که حتی اگر پروژه کالینگاز ژاپن تنها پروژه‌ای باشد که آغاز به کار کند، باز هم سی بی آی می‌تواند ۷۰ درصد پیش پرداخت های خود را پس بگیرد.

۴۲ - آی اس سی تصمیم گرفته بود که در پروژه کالینگاز ژاپن شرکت نکند. گرچه در پرونده امر مکاتبه‌ای بین آی اس سی و شرکت گاز ظرف این مدت به چشم نمی‌خورد، با اینحال یادداشت داخلی مورخ ۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۷ [۱۷] آوریل ۱۹۷۸] آی اس سی حاکی است که آی اس سی موافقت کرده بود کلیه سهام خود را به شرکت گاز واگذار کند. در بخشی از یادداشت آمده است:

کلیه اعضای طرف دوم قرارداد بازپرداخت مشابهی خواهند داشت. اطلاعات به دست آمده از [سی بی آی] حاکی است که کلیه طرفها در مورد ادامه پروژه از لحاظ تضمین استرداد پیش پرداختها، خوش بین هستند. اطلاعات جدید دریافتی از شرکت گاز حاکی از آنست که هر پروژه گاز طبیعی مایع دیگری که از گاز میدان پارس تغذیه شود، در محاسبه فرمول بازپرداخت وام منظور خواهد شد.

۴۳ - در نتیجه، در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۳] آوریل ۱۹۷۸]، یعنی یک روز قبل از انقضای اخطارششماهه نقض و فسخ قرارداد مشارکت، آی اس سی بقیه سهام خود را در کالینگاز به شرکت گاز واگذار کرد. کلیه طرفهای قرارداد یاد شده، از جمله

شرکت گاز طی موافقت نامه تفویضی منعقد در همان تاریخ با واگذاری سهام موافقت کردند. در ماده ۲ موافقت نامه یاد شده تأیید شده است که آی اس سی حقوق و وظایف و تعهدات دیگری بابت قراردادهای مشارکت یا اعتبار و یا به عنوان سهامدار کالینگاز، جز آنچه که مشخصاً در قرارداد بازپرداخت مقرر شده، نخواهد داشت. ماده ۳ موافقت نامه تفویضی همچنین مقرر می‌دارد:

طرفهای سند حاضر، بدینوسیله آی اس سی را از کلیه ادعاهای مطالبات، اقدامات یا اسباب دعوی در رابطه با، یا ناشی از یا منتج از قرارداد مشارکت و قرارداد اعتبار معاف و مبری می‌شناسند و آی اس سی بدینوسیله طرفهای دیگر سند حاضر را از کلیه ادعاهای مطالبات یا اسباب دعوی مربوط به یا ناشی از یا منتج از قرارداد مشارکت یا اعتبار و یا از شرکت هر یک از طرفها یا جانشینان ایشان در هر پروژه استفاده کننده از گاز طبیعی که کالینگاز حق خرید و استفاده از آنرا برای تولید گاز طبیعی مایع، دارد، معاف و مبری می‌شناسد. آی اس سی اعلام می‌نماید که وی هیچگونه مسئولیتی از لحاظ مالی یا غیر آن، در قبال هیچ طرف، شرکت، شخص حقیقی یا حقوقی به عنوان سهامدار کالینگاز ندارد. بدیهی است که آی اس سی حق تعقیب هرگونه ادعا یا اسباب دعوی ناشی از هر یک از قراردادهای فوق‌الذکر را در مواردی که به قرارداد [بازپرداخت] بین آی اس سی و شرکت گاز مربوط باشد برای خود حفظ می‌نماید...

۴۴ - آی اس سی و شرکت گاز به طور همزمان قرارداد بازپرداخت را امضاء کردند. در مقدمه قرارداد آمده است که: "طرفین مایلند موجبات بازپرداخت مبالغ معین پیش پرداخت را که [آی اس سی] برای طرح کالینگاز تأدیه نموده، به نامبرده فراهم آورند". در قرارداد بازپرداخت، کل اصل مبلغ پیش پرداخت آی اس سی تا تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۶ [۳۱ ژانویه ۱۹۷۸]، ۱،۹۹۲،۸۱۱/۶۷ دلار آمریکا ذکر و در ماده ۵ آن درخصوص بهره مقرر شده است که:

به نرخ سالانه یک درصد بالاتر از نرخ بهره ممتاز فرست نشنال بنک آو شیکاگو (یعنی، نرخ بهره ممتاز بانک یاد شده در مورد وامهای تجاری ۹۰ روزه اعطایی به اشخاص حقوقی وام گیرنده عمده و معتبر) که در هر دوره معمول است و همزمان با تغییر نرخ بهره ممتاز تغییر می‌نماید.

بهره متعلقه به وام تا تاریخ دهم دیماه ۱۳۵۶ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۷] به مبلغ ۱۰۵،۸۶۳/۳۱ دلار آمریکا محاسبه شده بود.

۴۵ - در قرارداد بازپرداخت، بازپرداخت وام به دو طریق مقرر شده است: اولاً پذیرفته شد که از وجوه فراهم شده برای تأمین هزینه برنامه حفاری شرکت گاز پس از پرداخت نهایی و فروش مابقی تجهیزات، احتمالاً وجوه اضافی باقی خواهد ماند و در شرکت گاز بلافاصله سهم متناسب آی اس سی را از وجوه مازاد... مستقیماً به وی پرداخت خواهد کرد. ثانیاً ماده ۴ قرارداد بازپرداخت مقرر می‌دارد که:

سهم آی اس سی طبق قرارداد حاضر بابت مبلغ وام، به اضافه سهم وی از کل بهره، درصدی از کل مبلغ وام به اضافه کل بهره‌ای خواهد بود که معادل درصدی از سطح تولید سالانه گاز طبیعی مایع (برحسب تن متریک) در طول دوره بازپرداخت نسبت به چهار (۴) میلیون تن متریک باشد، مشروط بر آنکه این درصد در هیچ موردی از صد درصد (۱۰۰٪) تجاوز نکند.

در بخشی از ماده ۶ مقرر شده است که:

مبلغی که باید به [آی اس سی] پرداخت شود... فقط از محل عواید حاصل از فروش گاز طبیعی توسط شرکت گاز به کالینگاز، منهای ارزش ذاتی و هزینه تولید گاز طبیعی،... قابل پرداخت خواهد بود. قصد شرکت گاز اینست که گاز را به قیمتی به کالینگاز بفروشد که برای حصول عواید لازم برای تأمین وجه جهت بازپرداخت طلب [آی اس سی] طی یک دوره ده ساله، کافی باشد. مبلغ تعیین شده بازپرداخت سالانه، رقمی خواهد بود که منجر به پرداختهای متساوی سالانه ظرف سالهای باقیمانده از دوره ده ساله بازپرداخت گردد و با احتساب بازپرداخت های قبلی، برای استرداد مطالبات [آی اس سی] ظرف ده سال از تاریخ اولین استحصال گاز طبیعی از میدان پارس که برای تولید گاز طبیعی مایع به مقادیر و به نسبت مقرر در بند ۴ این ماده، استفاده می‌شود کفایت نماید.

۴۶ - آی اس سی و شرکت گاز، همچنین توافق کردند که شرایط داوری قرارداد مشارکت در قرارداد بازپرداخت نیز قابل اعمال باشد (بنگرید به بند ۱۷ همین حکم) و مقرر داشتند که: "غیر از مواردی که به نحو دیگری در این سند قید شده، قرارداد حاضر،

در مواردی که به [آی اس سی] مربوط می‌شود، کلاً" جانشین قرارداد اعتبار می‌گردد."

۴۷ - در ششم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۶ آوریل ۱۹۷۸]، یادداشتی حاوی شرح اجمالی از تجدید سازمانی که در پروژه کالینگاز به وقوع پیوسته بود در سی بی آی توزیع گردید. یادداشت مزبور حاکی است که آی اس سی، انسرچ و هالفدن، همگی به علایق خود در کالینگاز پایان داده بودند و کریناویس نیز در نظر داشت در صورت تصویب دولت اسپانیا و تکمیل یک موافقت نامه امانی به علایق خود در کالینگاز خاتمه دهد. در نتیجه، انتظار می‌رفت که فقط کالینگاز ژاپن و سی بی آی به عنوان اعضای طرف دوم به شرکت در پروژه کالینگاز ادامه دهند. به علاوه، هر یک از سهامداران، اعم از آنانکه به شرکت در پروژه ادامه می‌دادند یا نمی‌دادند، حسب اطلاع، قرارداد بازپرداختی شبیه قرارداد منعقد شده توسط آی اس سی، با شرکت گاز منعقد ساخته بود.

۴۸ - در ۱۱ تیرماه ۱۳۵۷ [دوم ژوئیه ۱۹۷۸]، کالینگاز نامه‌ای در مورد پرداخت قیمت مواد و مصالح و اموالی که هنگام تصدی امور برنامه حفاری و توسعه، به شرکت نفت تحویل گردیده بود، به شرکت گاز نوشت و سهم قابل پرداخت به هر یک از شرکای کالینگاز را در آن اعلام کرد. کل سهم آی اس سی از مبلغ قابل پرداخت، ۱۷۲،۳۰۲/۲۳ دلار امریکا محاسبه شده بود. در نامه اظهار شده است:

"در قراردادهای بازپرداخت" بین شرکت گاز و شرکای مختلف مقرر شده است که وجوه دریافتی از محل فروش موجودی وسایل و تجهیزات باقیمانده از برنامه حفاری فوراً" تقسیم گردد.

...

پس از دریافت قیمت مواد و اموال یاد شده از شرکت نفت، مبالغ بالا را می‌توان نقداً" بین کلیه مشارکین تقسیم کرد."

۴۹ - مذاکرات بین شرکت گاز و کالینگاز ژاپن و همچنین بین شرکت گاز و کریناویس ادامه یافت. کریناویس هنوز به برنامه‌های خود برای ایجاد تأسیسات شناوری موسوم به کالینگاز شماره ۲ ادامه می‌داد، هر چند که مهلت مندرج در پیشنهاد اولیه وی سپری شده بود. کریناویس هنوز سهام خود را در کالینگاز در اختیار داشت و آماده بود آنها را به شرکت گاز واگذار کند، مشروط بر آنکه به وی اجازه داده می‌شد که شرکت مختلط دیگری برای اجرای پیشنهاد خود تشکیل دهد. پروژه دیگری معروف به طرح ام آر وی، که توسط یک کنسرسیوم نروژی پیشنهاد شده بود نیز در دست بررسی بود.

۵۰ - در دسامبر ۱۹۷۸، پیش نویس یک فقره موافقت نامه سهامداران برای طرح زمین پایه کالینگاز ژاپن تنظیم گردید. منظور از تنظیم این سند، اصلاح قرارداد مشارکت که برای بقیه دوره اولیه بیست ساله خود معتبر باشد، بود. در پیش نویس موافقت نامه، که هرگز به امضا نرسید، تصویب دولت ایران ضروری دانسته شد و در ماده ۲-۲ آن مقرر گردید که "سهام شرکت گاز از... وامها و/ یا اعتبارات... را کالینگاز ژاپن با مشورت [شرکت گاز] و پس از تأیید وی، از ژاپن ترتیب خواهد داد، مشروط بر آنکه شرکت گاز تضمین دولت ایران را برای صد درصد سهم شرکت یاد شده بابت وامها و/ یا اعتبارات یاد شده تحصیل کند". گرچه دلایل مشخصی برای عدم امضای این موافقت نامه ارائه نشده، معهذاً به نظر می‌رسد که شرکت گاز و کالینگاز ژاپن نتوانستند کریناویس را متقاعد سازند که سهام خود در کالینگاز را واگذار کند. این امر به نوبه خود، موجب تأخیر در انجام ترتیبات تأمین مالی گردید، زیرا برای تحصیل سرمایه لازم از بانک صادرات و واردات ژاپن، لازم بود کالینگاز تجدید سازمان یابد و مشترکا و متساویاً تحت مالکیت کالینگاز ژاپن و شرکت گاز در آید.

۵۱ - گرچه قراردادهای فروش گاز طبیعی مایع، فروش گاز طبیعی و ساختمان و مهندسی طرح کالینگاز ژاپن در ژوئن ۱۹۷۸ امضا شده بود، با اینحال به دلیل

ناآرامیهای سیاسی و اجتماعی در ایران در اوایل سال ۱۹۷۹، پیشرفت دیگری در هیچیک از پروژه‌های کالینگاز حاصل نشد. در هفتم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹]، یعنی حدود شش ماه پس از انقلاب اسلامی و تأسیس دولت جدید، شرکت گاز و کالینگاز ژاپن بار دیگر برای مذاکره راجع به پروژه با یکدیگر ملاقات کردند. نماینده شرکت گاز در آن جلسه، آقای اعتماد بود که به تازگی به عنوان مدیر برنامه ریزی منصوب گردیده بود. آی اس سی نماینده‌ای در این جلسه نداشت، زیرا دیگر سهامدار کالینگاز محسوب نمی‌شد، اما نامه‌ای به تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۹ نوامبر ۱۹۷۹] از کالینگاز ژاپن به شریک سهامدارش، یعنی سی بی آی به عنوان مدرک ارائه نموده که در آن ذکر شده است که آقای اعتماد سیاست ایران را به شرح زیر ترسیم کرد:

الف) اولاً "منابع طبیعی باید به نفع ملت حفظ و حراست گردد.

ب) ثانیاً "قیمت گاز طبیعی، هنگامی که تصمیم به فروش آن گرفته شود، باید معادل قیمت بین‌المللی نفت خام باشد. بدین معنی که قیمت گاز طبیعی تحویلی به کالینگاز باید برابر قیمت فوب نفت خام در محل تحویل باشد. در غیر اینصورت، شرکت گاز نمی‌تواند ادامه پروژه را نزد دولت توجیه کند.

ج) پس از بررسی موافقت نامه‌های کالینگاز، شرکت گاز باز لازم به تأکید می‌بیند که طرف دوم تعهدات خود را تحت قرارداد مشارکت در رابطه با ترتیب تأمین مالی (با عدم ارائه سهم‌الشرکه و عدم تضمین در مورد تأمین وام) و ترتیب فروش محصول (به میزان ۴ تا ۷ میلیون تن)، ایفا نکرده است.

در نتیجه، آقای مرشد، رئیس جدید شرکت گاز در تاریخ ۱۵ آبانماه ۱۳۵۸ [۸ ششم نوامبر ۱۹۷۹] نامه‌ای به کالینگاز ژاپن نوشته، ضمن اشاره به جلسه مورخ هفتم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] اظهار داشت:

بررسی پروژه تسلیمی کالینگاز ژاپن نشان می‌دهد که ترتیبات پیشنهادی برای تأمین مالی پروژه با شرایط قرارداد مشارکت به شرح مذکور در بالا منطبق نبوده نقض قرارداد را محرز می‌سازد. از اینرو، ناچاراً و با کمال

تاعسف اخطار ششماهه‌ای از تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] برای فسخ قرارداد، به نحو مقرر در بند ۲ ماده ۱۳ قرارداد به شما می‌دهیم.

کالینگاز ژاپن در اول آذرماه ۱۳۵۸ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۹] به این اخطاریه اعتراض و خاطرنشان کرد که شرکت گاز از سال ۱۹۷۷ به بعد واقف بوده که پیشنهاد کالینگاز ژاپن، هم مستلزم شرکت در تأمین سرمایه و هم مستلزم تضمین دولت است و گرچه شرکت گاز ایراداتی نسبت به موضوعات مختلف گرفت، لکن هرگز ایرادی به این دو اصل اساسی نگرفته است. شرکت گاز در سوم بهمن ماه ۱۳۵۸ [۲۳ ژانویه ۱۹۸۰] به نامه مزبور پاسخ داده، موضع خود را در اطلاعیه فسخ حفظ و اعلام کرد:

به خوبی آگاهید که در صورت عدم اصلاح و تغییر مجاز و معتبر قرارداد مشارکت در رابطه با مسایل مورد اختلاف، شرایط قرارداد مشارکت کماکان به قوت خود باقی بوده و تنها مبنای روابط طرفهای قرارداد و حقوق و تعهدات مربوطه آنها را تشکیل می‌دهد.

۵۲ - در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [پنجم مه ۱۹۸۰] شرکت گاز بار دیگر به کالینگاز ژاپن نامه نوشت و تأیید کرد که قرارداد مشارکت از تاریخ سوم فروردین ماه ۱۳۵۹ [۲۳ مارس ۱۹۸۰] فسخ شده اعلام گردیده است. معذک، در ۱۹ شهریورماه ۱۳۵۹ [دهم سپتامبر ۱۹۸۰]، شرکت گاز ظاهراً "اخطار ششماهه" مورخ ۱۵ آبانماه ۱۳۵۸ [۶ نوامبر ۱۹۷۹] خود را (مدتها پس از انقضای آن) لغو و اخطار ششماهه دیگری از آن تاریخ به کالینگاز ژاپن، کریناویس و سی بی آی داد. کالینگاز ژاپن بار دیگر به اخطاریه فسخ شرکت گاز اعتراض و اعلام کرد:

شرکت گاز به نامه تأییدی مورخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۷ [۱۵ آوریل ۱۹۷۸] [کالینگاز ژاپن] اعتراضی نکرد و بر این اساس... شرکت گاز، کالینگاز ژاپن و سی بی آی مشترکاً اقدام به شروع مرحله اجرایی این پروژه، از جمله، برنامه تأمین مالی آن کردند که از آغاز ارائه پروژه زمین پایه گاز طبیعی مایع توسط ما، بر این فرض مبتنی بود که کلیه سهامداران کالینگاز سهم‌الشرکه بپردازند و دولت ایران نیز سهم شرکت گاز را بابت اقساط وامها تضمین کند.

۵۳ - بالاخره، در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۲۲ آوریل ۱۹۸۱]، شرکت گاز تلکسی به شرح زیر به کالینگاز ژاپن و سهامداران دیگر مخابره کرد:

به اطلاع می‌رساند که موضع ما در مورد فسخ قرارداد مشارکت... به قوت خود باقی است... علاوه بر این، از آنجا که طرف دوم ظرف ششماه مدت مقرر در بند ۲ ماده ۱۳ قرارداد مشارکت، اقدامی برای رفع تخلف به عمل نیاورده، لذا بدینوسیله قرارداد مشارکت را از تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۹ [۱۱ مارس ۱۹۸۱] فسخ شده اعلام می‌کنیم.

شرکت گاز، همچنین جلسه عمومی فوق‌العاده‌ای برای بحث راجع به انحلال کالینگاز فرا خواند. کالینگاز ژاپن در پاسخ به این دعوت، تلکس مطولی در ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۱۱ مه ۱۹۸۱] مخابره نموده و اعلام کرد که نمی‌تواند اطلاعیه فسخ را بپذیرد و ضمن ارائه دلایل خود، علاقه مستمر خود را به اجرای پروژه کالینگاز مورد تأکید قرار داد. در خاتمه تلکس کالینگاز ژاپن آمده است:

معدلک، با توجه به اوضاع و احوال موجود در ایران، به شما پیشنهاد می‌کنیم "عجالتاً" پروژه حاضر را به ترتیبی که هست نگاه دارید تا هنگامی که طرفین بتوانند در یک جو تجاری عادی مذاکرات خود را برای تجدید حیات پروژه بر یک شالوده عملی، از سر گیرند.

۵۴ - پروژه کالینگاز هرگز به مورد اجرا در نیامد. هر چند، شرکت گاز اقدام قانونی برای انحلال کالینگاز در ایران به عمل آورد، معدلک دادگاههای نخستین تقاضای تصفیه، انحلال و برچیدن پروژه را بر مبنای این الزام موافقت نامه مشارکت که بقیه سهامداران باید اختلافات را از طریق داوری حل کنند، رد کردند. رأی مزبور توسط دیوانعالی ایران نیز ابرام گردید. از اصل مبلغ اولیه ۶۷/۸۱۱،۹۹۲ دلار آمریکا که آی اس سی طلبکار بوده، فقط مبلغ ۷۵/۴۴۸،۶۸ دلار آمریکا بابت هزینه‌های مهندسی و حق الزحمه‌هایی که قبلاً به یکی از شرکتهای تابعه آی اس سی پرداخت شده، مسترد گردیده است. (۳)

(۳) تلکس مورخ پنجم تیرماه ۱۳۵۷ [۲۶ ژوئن ۱۹۷۸] آی اس سی به شرکت گاز گواه بر این امر است.

ب - اظهارات خواهان

۵۵ - خواهان رقم خالص اصل مبلغ ۱،۹۲۴،۳۶۲/۹۲ دلاری را که به عنوان پیش پرداخت بابت پروژه کالینگاز ("مبلغ وام") پرداخته و حسب ادعا طبق قرارداد باز پرداخت ذیحق به دریافت آن است، به علاوه بهره مستمر قراردادی مطالبه می‌کند (۴). خواهان اظهار می‌دارد که شرکت گاز با قصور در اجرای توافم با حسن نیت و وظایف صریح و ضمنی قراردادی خود، قرارداد باز پرداخت را از دو جهت عمده نقض کرده است.

۵۶ - خواهان اظهار می‌دارد که شرکت گاز ابتدا در ژوئیه ۱۹۷۸ با عدم توزیع عواید فروش تجهیزات و مصالح حفاری به شرکت نفت، قرارداد باز پرداخت را به طور اساسی نقض کرد. خواهان به نامه مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۷ (دوم ژوئیه ۱۹۷۸) کالینگاز به شرکت گاز (بنگرید به: بند ۴۸ فوق) به عنوان مدرک توافق بین شرکت گاز و شرکت نفت برای پرداخت وجه این تجهیزات و سهم آی اس سی از این مبلغ استناد می‌کند. خواهان اظهار می‌دارد که "قبل از انقلاب، مدیران شرکت گاز هیچگاه به مبالغ مورد ادعا اعتراض نکردند و هرگز نیز منکر آن نشدند که این مبلغ باید پرداخت گردد". آی اس سی اظهار می‌دارد که علیرغم وعده‌های مستمر، هیچ بخشی از سهم خود را از عواید مزبور دریافت نکرده و این قصور در حکم نقض توافم با سوء نیت و لغو قرارداد باز پرداخت از مدتها پیش، یعنی ژوئیه ۱۹۷۸ می‌باشد. خواهان اظهار می‌دارد که در قرارداد باز پرداخت اینگونه پرداختها مشروط به اجرای یک پروژه گاز طبیعی مایع نشده بود و نتیجه می‌گیرد:

(۴) طبق محاسبه خواهان، بهره متعلقه تا دهم دیماه ۱۳۶۵ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۶] به ۲،۴۴۹،۵۲۴/۵۹ دلار بالغ می‌شده است.

موعید این ادعا که نقض و لغو قرارداد در ماه ژوئیه ۱۹۷۸ با سوء نیت همراه بوده، اولاً این واقعیت است که شرکت گاز متعاقباً سهم نسبی خود را از عواید حاصله از شرکت نفت دریافت کرد، حال آنکه شرکت کنندگان طرف دوم چیزی به دست نیاوردند، و ثانیاً دولت جدید ایران از پذیرش تعهدات خود به موجب بخش ۲ قرارداد باز پرداخت امتناع کرد. عدم اجرای توافق با لغو قرارداد، خواهان را ذیحق به دریافت کل مبلغ مورد مطالبه می‌کند.

۵۷ - دومین ادعای خواهان در باره نقض اساسی قرارداد، مبتنی بر "تصمیم یکجانبه و ناموجه خواندگان به رها ساختن پروژه‌های گاز طبیعی مایع" است. خواهان استدلال می‌کند که خواندگان با مشروط کردن باز پرداخت به تولید و فروش گاز طبیعی مایع، تلویحاً مکلف شدند که برای اجرای پروژه‌های گاز طبیعی مایع حد اکثر مساعی خود را به کار برند. خواهان اظهار می‌دارد که "در مواردی که وظیفه یک طرف قرارداد در اجرای تعهد، منوط به یک شرط مقدم است، طرف مزبور قولی ضمنی داده است که حداکثر سعی خود را مبذول نماید که آن شرط را با حسن نیت اجرا کند." خواهان ضمن استناد به مآخذ مختلف، از جمله ماده ۲۳۷ قانون مدنی ایران نتیجه می‌گیرد که: در مواردی که یک طرف قول می‌دهد مبلغی را از منبع معینی از وجوه آتی بپردازد، "متعهد است که حداکثر مساعی خود را جهت حصول اطمینان از اینکه وجوه مزبور موجودیت خواهد داشت، مبذول نماید."

۵۸ - خواهان همچنین استدلال می‌کند که علاوه بر تعهدی که خواندگان تلویحاً طبق قانون داشته‌اند، اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد قرارداد بازپرداخت ایشان را متعهد به اعمال حسن نیت و بذل حداکثر مساعی کرده است. خواهان اظهار می‌دارد که تا اوایل سال ۱۹۷۷، کلیه شرکت کنندگان، از جمله شرکت گاز آگاه بودند که شروع پروژه کالینگاز بدون تجدید نظر میسر نیست و شرکت گاز پروژه تجدید نظر شده کالینگاز ژاپن را یکماه قبل از انعقاد قرارداد بازپرداخت با آی اس سی پذیرفت. خواهان استدلال می‌کند که نامه مورخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] شرکت گاز دلالت بر تعهد آن شرکت در برابر پروژه کالینگاز ژاپن دارد. خواهان

همچنین ادعا می‌کند که آی اس سی به اعتبار اظهارات شرکت گاز مبنی بر اینکه قصد شروع پروژه کالینگاز را دارد و نامه مورخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴] مارس ۱۹۷۸] گواه بر آنست (بنگرید به: بند ۴۰ فوق) و نیز بر اساس این استنباط که عواید حاصل از هر پروژه گاز طبیعی مایع تغذیه شونده از گاز طبیعی میدان پارس، برای باز پرداخت وامها به کار خواهد رفت، مبادله سرمایه خود را در کالینگاز، پذیرفت.

۵۹ - خواهان به مدارک مختلفی مربوط به آن زمان استناد می‌کند تا نشان دهد که یکایک اعضای طرف دوم معتقد بودند که "باتوجه به قبول کارخانه ژاپنی گاز طبیعی مایع توسط شرکت گاز و اظهارات آن شرکت مبنی بر اینکه حداقل دو پروژه دیگر گاز طبیعی مایع در دست اقدام را دنبال خواهد کرد،" باز پرداخت تضمین شده بود بنگرید به: بندهای ۵۰ - ۴۹ همین حکم. آقایان بارولازا و فریتش که هر دو توسط خواهان معرفی شده‌اند، در جلسه استماع و نیز در شهادتنامه‌های خود شهادت دادند که به اعتقاد آنان شرکت گاز متعهد بود که پروژه‌های گاز طبیعی مایع را مجدانه تعقیب کند و مضافاً اینکه این کار را با حسن نیت انجام خواهد داد. آقای بارولازا همچنین شهادت داد که شرکت گاز پیشنهاد کالینگاز ژاپن را در مارس ۱۹۷۸ پذیرفت و کلیه شرکت‌کنندگان طرف دوم که از طرح کناره‌گیری کرده بودند هنگام الحاق به موافقت‌نامه‌های تفویضی و باز پرداخت، به آن پذیرش اعتماد کردند.

۶۰ - خواهان همچنین اظهار می‌دارد که مفاد قرارداد باز پرداخت خود نمایانگر تفاهم‌های حاصله در آن زمان است، زیرا موارد مثال مندرج در آن سند، حداقل مقدار گاز طبیعی مایعی را که باید در پروژه تجدید نظر شده کالینگاز ژاپن تولید می‌شد، دقیقاً نشان می‌دهد. خواهان نتیجه می‌گیرد که:

باز پرداخت مبلغ وام مشروط به تولید گاز طبیعی مایع بود، زیرا شرکت گاز با اجرای پروژه‌های گاز طبیعی مایع موافقت کرده و پروژه کالینگاز ژاپن را پذیرفته بود و به طور فعال سایر پروژه‌ها را دنبال می‌کرد. در نتیجه، اصل حسن نیت، خواندگان را موظف می‌ساخت که حداکثر مساعی خود را برای اجرای پروژه‌های گاز طبیعی مایع به کار برند و از آن طریق مبلغ وام را باز پرداخت کنند.

۶۱ - بر این اساس، خواهان اظهار می‌دارد که در نتیجه نقض ادعایی تعهدات خواندگان که امتناع ادعایی شرکت گاز از براه انداختن پروژه تجدید نظر شده کالینگاز ژاپن و نیز هر پروژه دیگر گاز طبیعی مایع موئید آنست، وی ذیحق است که کل مبلغ وام را فوراً دریافت کند.

۶۲ - خواهان اظهار می‌دارد که اعلامیه ایران در سپتامبر ۱۹۷۹ مبنی بر اینکه گاز میدان پارس را برای مصارف خود کنار گذاشته است (بنگرید به: بند ۵۱ همین حکم) اعلام یکجانبه‌ای محسوب می‌شد که "به مذاکرات و شرکت بیگانگان در پروژه پایان داد و احتمال ایجاد تاعسیسات گاز طبیعی مایع قابل بهره‌برداری را زایل کرد." خواهان استدلال می‌کند که "شرکت گاز با انکار تعهدات خود نسبت به باز پرداخت، در صدد بر آمده است که از اعمال یکجانبه خود منتفع گردد که در واقع، روش باز پرداختی را که طرفین به آن اعتماد کرده بودند، عملاً منتفی کرد." بدین ترتیب خواهان نتیجه می‌گیرد که "اثر مترتب بر هرگونه توسعه میدان پارس بدون باز پرداخت [مبالغ پیش پرداختی] اینست که شرکت گاز، شرکت نفت و ایران بلاجهت دارا شوند."

۶۳ - خواهان به ویژه اظهار می‌دارد که "کوتاهی در انجام توأم با حسن نیت هر وظیفه صریح یا ضمنی قراردادی بدون هیچ عذر قانونی، در حکم نقض قرارداد بوده، طرف متخلف را مسئول پرداخت خسارت می‌کند" و مضافاً در مواردی که طرفی به نحوی غیر عادلانه مانع ایفای یک شرط متقدم می‌گردد، همان طرف مرتکب تخلف از

وظیفه ادعایی مبنای قرارداد نیز گردیده و با مداخله در اجرای آن وظیفه، شرط متقدم [باز پرداخت] لغو شده تلقی و تمامی دین حال می‌شود. خواهان در تأیید این استدلال، به تصمیمات دیوان در پرونده‌های زیر استناد می‌کند: حکم شماره ۲ - ۲۴۵ - ۹۹ مورخ ششم دیماه ۱۳۶۲ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۳] در پرونده سی ام آی اینترنشنال، اینکوریپتد و وزارت راه و ترابری و سایرین، منتشره در 4 Iran-U.S. C.T.R. 263 و حکم شماره ۲ - ۱۶۶ - ۱۳۹ مورخ اول تیرماه ۱۳۶۳ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۴] در پرونده تایم، اینکوریپتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 8. Iran-U.S. C.T.R. 7 .

۶۴ - خواهان اظهار می‌دارد که مدارک تسلیمی حاکی است که تا پایان سال ۱۹۷۸ "خوانندگان در پروژه تجدید نظر شده گاز طبیعی مایع شرکت داشتند و با حسن نیت حداکثر کوشش خود را برای اجرای پروژه‌های گاز طبیعی مایع مبذول می‌داشتند" ولی امضای موافقتنامه اصلاحی سهامداران و اجرای پروژه‌های گاز طبیعی مایع، در اثر وقوع انقلاب ایران و سایر ناآرامیهای داخلی به تعویق افتاد. خواهان همچنین اظهار می‌دارد که آقای مصدقی هم به کالینگاز ژاپن و هم به سی بی آی اطلاع داد که کلیه مجوزهای دولتی لازم به طور غیر رسمی کسب گردیده و تصویب رسمی دولت مشکلی نخواهد بود. خواهان اظهار می‌دارد که سوء نیت خوانندگان، از اعلامیه سپتامبر ۱۹۷۹ ایران مبنی بر اینکه گاز میدان پارس را برای مصارف خود کنار گذارده مشهود می‌گردد. بنا براین امتناع خوانندگان از ادامه پروژه، "تصمیم غیر معقول و سرسختانه‌ای برای لغو موافقت قبلی خود با پروژه محسوب می‌شود و همین امر مانع اجرای پروژه گاز طبیعی مایع گردید." آی اس سی دلایلی را که شرکت گاز در آن زمان ارائه داده بود (بنگرید به: بندهای ۵۱ - ۵۳ همین حکم) رد کرده اظهار می‌دارد:

هنگامی که کالینگاز در آوریل ۱۹۷۸ تجدید سازمان شد، شرکت گاز با روش

اصلاحی کالینگاز ژاپن در مورد تأمین سرمایه پروژه موافقت کرد و به آی اس سی اطمینان داد که پروژه گاز طبیعی مایع ژاپن طبق این ترتیبات اجرا خواهد شد. تا قبل از انتصاب مدیران جدید شرکت گاز پس از انقلاب، آن شرکت هرگز به ترتیبات اصلاحی تأمین سرمایه پروژه اعتراض نکرد.

۶۵ - خواهان استدلال خود را با این اظهارات خلاصه می‌کند:

بهرحال واقعیات مسلم نشان می‌دهد که خواندگان بدون هیچ عذری و به طور یکجانبه پروژه تجدید نظر شده و سایر پروژه‌های گاز طبیعی مایع را رها کردند و بدانوسیله، تنها شرط باز پرداخت - یعنی عوایدی را که شرکت گاز با فروش گاز طبیعی به پروژه‌های گاز طبیعی مایع حاصل می‌کرد، منتفی ساختند. نظر به اینکه خواندگان با تخلف از وظیفه اعمال حسن نیت و بذل حداکثر مساعی، منبع باز پرداخت را من غیر حق از بین بردند، قرارداد باز پرداخت را به طور اساسی نقض کرده‌اند.

ج - اظهارات خواندگان

۱ - اظهارات شرکت گاز

۶۶ - شرکت گاز قبول دارد که قرارداد باز پرداخت مشروط بود، ولی استدلال می‌کند که هر مقدار باز پرداخت صرفاً از محل عواید حاصل از پروژه کالینگاز قابل پرداخت بود و نه از محل پروژه دیگری. شرکت گاز در تأیید استدلال خود به ماده ۶ قرارداد باز پرداخت استناد می‌کند که می‌گوید: "مبلغی که باید به وام دهنده پرداخت شود... صرفاً از محل عواید فروش گاز طبیعی بوسیله شرکت گاز به کالینگاز... قابل پرداخت خواهد بود." شرکت گاز اظهار می‌دارد که فرمول مندرج در قرارداد باز پرداخت که در صد بازپرداخت را به میزان تولید گاز طبیعی مایع مرتبط ساخته، به این مفهوم است که اگر از فروش گاز طبیعی به کالینگاز در آمدی حاصل نمی‌شد، شرکت گاز نیز تعهدی برای پرداخت هیچ مبلغی نداشت. بنابراین، شرکت گاز اظهار می‌دارد که تعهدات وی محدود به پروژه کالینگاز بود و استدلال می‌کند که چون پروژه کالینگاز هرگز اجرا نشد و عوایدی از آن حاصل نگردید، تعهدی نیز برای باز

پرداخت بوجود نیامد. شرکت گاز با استناد به ماده ۴ قرارداد باز پرداخت ادعا می‌کند که:

[آی اس سی] می‌دانست که در صورت عدم تکمیل پروژه و عدم نصب تأسیسات و صدور گاز طبیعی حقی نداشت و محلی برای بازپرداخت وجوه حفاری وجود نداشته و ندارد.

۶۷ - بدین ترتیب، شرکت گاز نتیجه می‌گیرد که چون اجرای پروژه کالینگاز منتفی شده، پرداخت به موجب قرارداد باز پرداخت به عهده تعویق افتاده و حال نشده است. شرکت گاز مدعی است که آی اس سی ریسک عدم اجرای پروژه را بر عهده گرفته و اظهار می‌دارد:

در صورتیکه پروژه اصلاً اجرا نمی‌شد، [آی اس سی] تنها می‌توانست بقیه شرکت‌هایی را که طرف دوم محسوب می‌شوند مسئول جبران زیانها و خساراتی بداند که طرفهای منصرف شده احتمالاً خود را محق به آن می‌دانند و به همین دلیل نیز، طرف دوم مسئول عدم اجرای کل پروژه شناخته می‌شد.

شرکت گاز اظهار می‌دارد که پیشنهادهای کریناویس و ام آر وی کاملاً مستقل از پروژه کالینگاز بود و بنابراین تأثیری بر تعهد پرداخت مشروط به موجب قرارداد باز پرداخت نداشت. شرکت گاز اضافه می‌کند که حتی اگر در قرارداد باز پرداخت پیش بینی شده بود که پرداخت از محل پروژه‌هایی غیر از کالینگاز هم صورت گیرد، باز هیچیک از آنها از لحاظ فنی مورد تصویب قرار نگرفته بود و بنابراین تا مرحله‌ای پیش نرفته بود که بتوان آنها را از ناحیه شرکت گاز رها شده تلقی کرد. شرکت گاز اظهار می‌دارد که برعکس، آغاز نشدن این پروژه‌ها دلایل دیگری داشت که هیچیک از آنها متوجه شرکت گاز نیست.

۶۸ - به ویژه، شرکت گاز تقصیر عدم اجرای پروژه کالینگاز را متوجه اعضای طرف دوم می‌داند که سرمایه پروژه را به نحو رضایت بخش، بدانگونه که در قرارداد مشارکت

مقرر شده بود، تأمین نکردند. شرکت گاز اظهار می‌دارد که طرف دوم ماده ۷ قرارداد مشارکت را نقض کرده است و:

کلاً هر فعالیت و اقدامی که [کالینگاز ژاپن] و سی بی آی در پیشبرد پروژه [کالینگاز ژاپن] کرده باشند مادام که ماده ۷ قرارداد مشارکت که اساس تمام کارها بوده اجرا نشده و یا مفاد آن مورد نظر قرار نگرفته، مورد قبول شرکت ملی گاز چه قبل و چه بعد از انقلاب نمی‌تواند بوده باشد.

۶۹ - شرکت گاز تفسیر آی اس سی را از تفاهم طرفین در زمان امضای قرارداد باز پرداخت مورد ایراد قرار داده، انکار می‌کند که آی اس سی قرارداد باز پرداخت را صرفاً با اعتقاد به اینکه شرکت گاز پیشنهاد کالینگاز ژاپن را پذیرفته بود امضاء کرد. بالعکس، شرکت گاز می‌گوید که امضای قرارداد باز پرداخت به درخواست آی اس سی صورت گرفت و "نفع اعضای طرف دوم قرارداد که بنیه مالی ضعیف تری داشتند موجب انعقاد آن شد." به ویژه شرکت گاز اظهار می‌دارد که استنباط طرفین این بود که مادام که طرف دوم تعهدات خود را به موجب قرارداد مشارکت ایفا نکرده، تعهدی به موجب قرارداد باز پرداخت برای شرکت گاز ایجاد نخواهد شد. شرکت گاز اظهار می‌دارد که قراردادهای مشارکت و باز پرداخت آنچنان با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند که تا قرارداد مشارکت و مفاد آن اجرا نمی‌گردید، باز پرداخت و اجرای مفاد قرارداد باز پرداخت، امکان پذیر نمی‌بود.

۷۰ - شرکت گاز اظهار می‌دارد که وی متعهد بود قرارداد مشارکت را تنها به صورتیکه بدواً امضاء شده بود، اجرا کند و بدون رضایت سهامداران خود در مجمع عمومی اجازه موافقت با اصلاح قرارداد را نداشت. در نتیجه، شرکت گاز معتقد است که اعضای طرف دوم به میل خود مخاطرات تأمین سرمایه را طبق قرارداد مشارکت پذیرفتند و نسبت به آن مقید و ملتزم باقی ماندند.

۷۱ - شرکت گاز اظهار می‌دارد که برخی از اعضای طرف دوم با درخواست کناره‌گیری از

پروژه تلویحا" به عدم توانایی خود برای اجرای تعهداتشان اعتراف کردند و شرکت گاز تنها در اکتبر سال ۱۹۷۷ بود که در نتیجه رای مخالف اعضای طرف دوم با تأمین هزینه مرحله بعدی پروژه کالینگاز در مجمع سهامداران که در فوریه ۱۹۷۷ در توکیو تشکیل گردید، اقدام به فسخ قرارداد مشارکت کرد.

۷۲ - در مورد ادعای آی اس سی مبنی بر اینکه شرکت گاز موضع خود را نسبت به پروژه کالینگاز ژاپن تغییر داد، شرکت گاز انکار می‌کند که هیچگاه با پیشنهادهای تأمین سرمایه پروژه اصلاحی کالینگاز ژاپن موافقت کرده باشد و می‌گوید که آی اس سی هیچ مدرک مثبتی که خلاف آن اظهارات را ثابت کند ارائه نداده است. شرکت گاز اذعان دارد که پیشنهاد کالینگاز ژاپن از لحاظ فنی به تصویب رسیده بود، ولی تأکید می‌کند که جنبه‌های مالی پیشنهاد هیچگاه به تصویب نرسید. شرکت گاز به ویژه انکار می‌کند که آقای مصدقی گفته باشد که شرکت گاز، شرکت نفت و وزارت دارایی جنبه‌های مالی پروژه کالینگاز ژاپن را پذیرفته‌اند. شرکت گاز اظهار می‌دارد که چون پیش نویس قراردادهای ناظر بر پروژه کالینگاز ژاپن منوط به تصویب مقامات ذیربط بود، "شرکت گاز و مدیریت جدید و قدیم آن، آن را مطابق قرارداد مشارکت ندانسته و به انتظار فرصتی که کالینگاز ژاپن شرایط تأمین مالی پروژه را مشخص کند، باقی ماندند. ولی کالینگاز ژاپن هیچگاه مسأله تضمین و تأمین مالی را روشن نکرد تا اینکه قرارداد فسخ شد."

۷۳ - در مورد اتهام آی اس سی مبنی بر اینکه شرکت گاز موضع خود را نسبت به توسعه میدان پارس از طریق کالینگاز به لحاظ سیاست دولت تغییر داد، شرکت گاز انکار می‌کند که هیچگاه میدان پارس را برای مصارف دیگری در نظر گرفته باشد و اظهار می‌دارد که هرگونه اظهاری دایر بر اینکه شرکت گاز اعلام کرده که منابع گاز طبیعی ایران برای مردم ایران حفظ می‌شود، "بی پایه و اساس است." شرکت گاز تأکید می‌کند که نه آی اس سی و نه آقای بارولازا در جلسه‌ای که حسب ادعا

تغییر سیاست دولت اعلام شده، حضور نداشتند. شرکت گاز اظهار می‌دارد که حتی پس از انقلاب ایران کماکان با حسن نیت آماده تعقیب پروژه کالینگاز بود و می‌گوید یکی از دلایل حسن نیت وی اینست که بعد از اخطار فسخ در نوامبر ۱۹۷۹ بیش از هیجده ماه به کالینگاز ژاپن فرصت داد که طرح قابل قبولی برای پروژه کالینگاز ارائه دهد.

۷۴ - و بالاخره شرکت گاز استدلال می‌کند که طبق قوانین ایران، به ویژه مواد ۲۲۱ و ۲۲۷، ۲۲۹ و ۲۳۴ قانون مدنی، شرکت گاز مسئول بازپرداخت هیچ وجهی نخواهد بود که تا‌ءدیه آن منوط به تحقق واقعه‌ای خارجی بوده و رویدادهایی خارج از حیطه اختیار آن شرکت، مانع تحقق آن واقعه شده باشد.

۷۵ - شرکت گاز نتیجه می‌گیرد که چون رویدادهایی خارج از حیطه اختیار او، مانع ایفای شرط مقدم بر باز پرداخت گردیده، در نتیجه، آن شرکت هیچیک از تعهدات مقرر در قرارداد باز پرداخت را برای پیگیری تو‌ءام با حسن نیت تا‌ءسیس پروژه کالینگاز نقض نکرده است. در نتیجه:

با توجه به واقعیات و استدلالات پیشگفته و به دلیل تخلفات مستمر طرف دوم و نقض مقدمه و ماده ۷ قرارداد مشارکت، شرکت گاز آی اس سی را ذیحق دریافت غرامت بابت خسارات مالی مورد ادعا نمی‌داند، به ویژه، از این نظر که پروژه به دلیل تخلفات طرف دوم هرگز اجرا نشد.

۷۶ - شرکت گاز همچنین به اظهارات آی اس سی مبنی بر ذیحق بودن نسبت به عواید فروش تجهیزات حفاری به شرکت نفت ایراد می‌گیرد و اظهار می‌دارد که بالعکس، توزیع اینگونه عواید نیز منوط به اجرای رضایتبخش پروژه کالینگاز بود.

۲ - اظهارات ایران (۵)

۷۷ - ایران، ضمن درخواست از دیوان که استدلالات شرکت گاز را در دفاعیه خود مورد عنایت قرار دهد، در مقام دفاع عمدتاً به این واقعیت استناد می‌کند که طرف هیچیک از قراردادهای منعقد با آی اس سی نبوده و بنابراین ادعا متوجه وی نیست. ایران همچنین نسبت به افزایش مبلغ خواسته خواهان در لایحه معارض وی ایراد گرفته، اظهار می‌دارد که فرصت اظهار نظر درباره آن را نداشته است.

د - اظهارات معارض

۷۸ - خواهان در رد دفاعیات پیشگفته، اظهار می‌دارد که شرکت گاز در لایحه‌ای که در تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۵ [دوم دسامبر ۱۹۸۶] به ثبت رسانده، تصدیق کرده است که آی اس سی ذیحق به دریافت سهم خود از عواید واگذاری تجهیزات حفاری به شرکت نفت می‌باشد و ضمناً "خوانندگان هیچ مدرکی در تأیید این اظهار که پرداخت سهم خواهان منوط به اجرای پروژه گاز طبیعی مایع بوده، ارائه نداده‌اند.

۷۹ - خواهان همچنین اظهار می‌دارد که استدلال شرکت گاز مبنی بر اینکه پروژه کالینگاز ژاپن به دلیل مغایرت پیشنهاد اصلاحی تأمین سرمایه آن با شرایط قرارداد مشارکت خاتمه یافت، با زمینه و سابقه طرح کالینگاز تناقض دارد و به علاوه، کلیه شرکت کنندگان در پروژه آگاه بودند که وامهای لازم بدون اتخاذ "روش جدیدی برای تأمین سرمایه" قابل تحصیل نخواهد بود. خواهان اظهار می‌دارد که مستند این

(۵) شرکت نفت در جریان رسیدگی شرکت نکرده است. بنگرید به: بند ۴ فوق.

آگاهی و پذیرش، پیش نویس موافقتنامه مورخ دوم دیماه ۱۳۵۷ [۲۳] دسامبر ۱۹۷۸] سهامداران است که قرار بود پروژه کالینگاز ژاپن طبق آن اجرا شود و صریحا در آن قید شده است که طرفها، از جمله شرکت گاز باید سهم الشرکه بپردازند و وامها را تضمین کنند.

۸۰ - خواهان همچنین انکار می‌کند که حدود قرارداد باز پرداخت محدود به پروژه گاز طبیعی مایع کالینگاز بوده و یا اینکه سایر پروژه‌های گاز طبیعی مایع در دست بررسی قابل اجرا نبودند. خواهان به عنوان مدرک این ادعا، به صورتجلسه نشست مورخ اول آبانماه ۱۳۵۶ [۲۳] اکتبر ۱۹۷۷] سهامداران کالینگاز اشاره و تأکید می‌کند که "در صورتجلسه تصریح شده است که پیش پرداختها از محل فروش گاز از هریک از پروژه‌های گاز طبیعی مایع یا کلیه آنها تأدیه خواهد شد". خواهان اظهار می‌دارد که این سند، همراه با نامه مورخ ۲۶ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۸] اکتبر ۱۹۷۸] شرکت گاز نشان می‌دهد که دولت ایران تا همان اواخر، یعنی اکتبر سال ۱۹۷۸ پروژه‌های گاز طبیعی مایع را فعالانه تعقیب می‌کرد و پروژه کالینگاز ژاپن بعد از انقلاب ایران نیز به حیات خود ادامه می‌داد.

۸۱ - خواهان در رد استدالات خواندگان همچنین شهادتنامه‌ای از آقای دانکن کلارک، مدیر گروه پتروکانسالتنتس اس.آ. را به عنوان مدرک تسلیم نموده که حسب ادعا نشان می‌دهد که "خواندگان پس از انقلاب کلیه قراردادهای توسعه نفت و گاز خود را با شرکتهای امریکایی و سایر شرکتهای خارجی لغو یا فسخ کردند." خواهان اظهار می‌دارد که "اینگونه فسخ‌های دسته‌جمعی حاکی از این است که دولت جدید ایران پس از انقلاب صرفا" تصمیم گرفت منافی را که شرکای تجاری خارجی وی به آن دولت اعطاء کرده بودند حفظ کند و مناسبات خود را با آنان بدون توجه به تعهدات قانونی خویش پایان بخشید."

۸۲ - بالاخره، خواهان نتیجه می‌گیرد که "خودداری ناموجه توأم با سوء نیت خوانندگان از ادامه پروژه کالینگاز ژاپن و سایر پروژه‌های گاز طبیعی مایع، موجب لغو شرط مقدم بر بازپرداخت مندرج در قرارداد باز پرداخت گردید و بدان ترتیب، تعهد خوانندگان به باز پرداخت کل مبالغ پیش پرداختی آی اس سی به کالینگاز بلاشرط و قطعی شد.

۸۳ - شرکت نفت در لایحه معارض خود، استدلالاتی قبلی خود را تکرار کرده است. شرکت گاز و ایران هر دو به افزایش مبلغ مورد ادعای آی اس سی در اثر ادامه تعلق بهره قراردادی، اعتراض کرده‌اند.

ه - ماهیت دعوا

۸۴ - ادعای آی اس سی دایر بر نقض قرارداد باید در دو بخش بررسی گردد. ابتدا، دیوان باید این مسأله را بررسی کند که آیا قصور شرکت گاز در پرداخت سهم متناسب آی اس سی از عواید فروش تجهیزات به شرکت نفت، آنطور که ادعا شده، تخلف از ماده ۲ قرارداد باز پرداخت محسوب می‌شده است یا خیر. ثانیاً "دیوان باید تعیین کند که آیا اعمال خوانندگان در هفتم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] و بعد از آن، آنطور که ادعا شده، قصور در تعقیب توأم با حسن نیت پروژه‌ها را ثابت می‌کند، تا نقض قرارداد باز پرداخت محسوب شود یا خیر. در صورتیکه پاسخ مثبت باشد، پیامدهای این قصور باید مورد بررسی قرار گیرد.

۱ - توزیع عواید حاصل از فروش وسایل و تجهیزات

۸۵ - آی اس سی ادعای خود بابت پرداخت سهم متناسب خود از عواید فروش تجهیزات حفاری را بر نص صریح ماده ۲ قرارداد باز پرداخت استوار می‌سازد. آی اس سی به عنوان مدرک مقدار سهم نسبی خود، به نامه مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۷ [دوم ژوئیه

۱۹۷۸] کالینگاز به شرکت گاز مبنی بر اینکه سهم آی اس سی ۱۷۲،۳۰۲/۲۳ دلار است، استناد می‌کند. تنها استدلال شرکت گاز در دفاع از این قسمت از ادعا اینست که هر پرداختی بر مبنای قرارداد باز پرداخت، از جمله توزیع عواید فروش، مشروط به تکمیل پروژه کالینگاز است. شرکت گاز انکار نمی‌کند که این تجهیزات را به شرکت نفت فروخته و وجه آنها را قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دریافت کرده است و ایرادی نیز نسبت به محاسبه سهم آی اس سی از وجوه دریافتی از آن بابت، نگرفته است.

۸۶ - متن ماده ۲ روشن و خالی از ابهام است: "شرکت ملی گاز بلافاصله و مستقیماً سهم متناسب وام دهنده را از وجوه مازاد به وی خواهد پرداخت". دیوان استدلال شرکت گاز را مبنی بر اینکه پرداخت هر مقدار وجوه مازاد مشروط به تکمیل پروژه کالینگاز است، مسموع نمی‌داند. تنها شرط این است که وجوه مازادی وجود داشته باشد و شرکت گاز انکار نمی‌کند که این شرط احراز شده است. بنابراین شرکت گاز مکلف بود که سهم متناسب آی اس سی را در اسرع وقت ممکن بعد از دریافت وجه از شرکت نفت بپردازد. موعد این نتیجه گیری، نص ماده ۳ قرارداد باز پرداخت است که می‌گوید: "مبلغ وام" کل مبلغ پیش پرداخت توسط وام دهنده است که "پرداختهای مصرح در بند ۲ بالا، از آن کسر می‌شود".

۸۷ - بنابراین دیوان شرکت گاز را ملزم می‌داند که مبلغ ۱۷۲،۳۰۲/۲۳ دلار بابت سهم متناسب آی اس سی از عواید فروش تجهیزات، با احتساب بهره قراردادی متعلقه به آی اس سی بپردازد. دیوان همچنین این فرض را منطقی می‌داند که این مبلغ باید توسط شرکت نفت پرداخت می‌شد و در نتیجه، ظرف شصت روز بعد از تاریخ نامه مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۷ [دوم ژوئیه ۱۹۷۸] کالینگاز بلافاصله به آی اس سی قابل پرداخت بوده است. بنگرید به: بند ۱۲۳ همین حکم.

۸۸ - با اینحال دیوان معتقد است که چنین تخلفی فی نفسه آنچنان نقض اساسی قرارداد باز پرداخت محسوب نمی‌شود که موجب لغو تمامی قرارداد شود. بنابراین دیوان باید به عنوان موضوع جداگانه، حق خواهان را نسبت به باز پرداخت بقیه مبلغ وام بررسی کند.

۲ - عدم اجرای پروژه‌های گاز طبیعی مایع

۸۹ - برای ارزیابی حق خواهان نسبت به بقیه مبلغ وام، دیوان باید چندین موضوع مورد اختلاف را بررسی و تعیین کند. نخست دیوان باید حدود قرارداد باز پرداخت را تعیین کند و به ویژه اینکه آیا باز پرداخت به موجب آن قرارداد، مشخصاً "مشروط و منوط به تکمیل پروژه گاز طبیعی مایع کالینگاز بوده، یا اینکه از محل عواید سایر پروژه‌ها نیز قابل باز پرداخت بوده است. دیوان آنگاه باید تعهدات قانونی شرکت گاز را در برابر آی اس سی به موجب قرارداد باز پرداخت و استنباط هر دو طرف، یعنی آی اس سی و شرکت گاز را در موقع تجدید سازمان کالینگاز مورد بررسی قرار دهد. و بالاخره، دیوان باید تعیین کند که آیا شرکت گاز در کوشش برای انجام تعهدات مربوط به پروژه کالینگاز با حسن نیت عمل کرده یا خیر و بسته به تعیین حدود قرارداد باز پرداخت، آیا شرکت گاز و ایران توافقاً در مورد هر یک از سایر پروژه‌های گاز طبیعی مایع که از محل عواید آنها، بازپرداخت می‌توانسته صورت گیرد، با حسن نیت عمل کرده‌اند یا خیر.

(الف) - حدود قرارداد باز پرداخت

۹۰ - دیوان در بررسی حدود قرارداد باز پرداخت، باید متن آنرا مورد توجه قرار دهد. در مقدمه قرارداد چنین آمده است که "کالینگاز... سرگرم اجرای پروژه‌ای در مورد توسعه و تولید گاز طبیعی ("پروژه کالینگاز") از میدان پارس و تولید گاز طبیعی

مایع از آن می‌باشد" ولی ماده ۴ قرارداد باز پرداخت، کل درصد وامی را که باید باز پرداخت شود، وابسته به تولید از پروژه کالینگاز نکرده، بلکه آنرا به "سطح تولید سالانه گاز طبیعی مایع... که در مدت باز پرداخت بدست آمده" مربوط می‌سازد. به نظر دیوان، این عبارت اشاره به کل تولید گاز از میدان پارس دارد، موعید این نتیجه‌گیری، مثالی است که در ماده ۴ ذکر شده، بدین شرح "... وام دهنده حق دریافت هفتاد درصد (۷۰٪) مبلغ وام... را خواهد داشت" و متن عبارت قسمت دوم ماده ۶ نیز حاکی از قصد شرکت گاز به باز پرداخت مبالغ پیش پرداختی "ظرف مدت ده (۱۰) سال از تاریخ آغاز تولید گاز طبیعی از میدان پارس که برای تولید گاز طبیعی مایع... مورد استفاده واقع شود." بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که نسبت مبالغ پیش پرداختی که باید باز پرداخت می‌شود، مستقیماً با کل تولید گاز طبیعی مایع از میدان پارس مرتبط بوده و نه فقط با تولید پروژه کالینگاز.

۹۱ - با اینحال ماده ۴ تنها ناظر بر کل مبلغی است که باید باز پرداخت گردد. مندرجات ماده ۶ راجع به نحوه و منبع باز پرداختها، مصرح می‌دارد که مبلغی که هر سال باید پرداخت گردد، "صرفاً" از محل عواید فروش گاز طبیعی به وسیله شرکت گاز به کالینگاز... قابل پرداخت خواهد بود". بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که با اینکه کل درصد مبلغ باز پرداخت باید به نسبت کل تولید گاز طبیعی از میدان پارس تعیین می‌گردد، اما باز پرداختها صرفاً از محل سود حاصل از پروژه کالینگاز قابل تأدیه بود. بنابراین باز پرداخت مبلغ وام منوط و مشروط به تحصیل سود از محل پروژه کالینگاز بوده است. چنین شرط مقدم قراردادی، به مفهوم تعهد توأم با حسن نیت از ناحیه طرف اجرا کننده شرط، به بذل کوشش در ایفای آنست. بر این اساس، دیوان معتقد است که شرکت گاز موظف بوده است که تأسیس پروژه کالینگاز را با حسن نیت تعقیب کند. این چنین نتیجه‌گیری دیوان را از الزام به بررسی این مسأله که آیا شرکت گاز یا سایر خواندگان پروژه‌هایی غیر از کالینگاز را با حسن نیت تعقیب کرده‌اند یا خیر، فارغ می‌کند.

(ب) - تعهدات قانونی شرکت گاز و استنباط طرفین

۹۲ - دیوان ابتدا باید موضع شرکت گاز را در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] که شرکت گاز و آی اس سی قرارداد باز پرداخت را منعقد کردند، بررسی نماید. برای دیوان محرز است که در آن زمان شرکت گاز قصد داشت پروژه کالینگاز را تعقیب کند و کلیه طرفها انتظار داشتند که پروژه با موفقیت روبرو شود. ولی نکته حیاتی این است که آیا شرکت گاز بعداً "تعهد خود را در تعقیب توأم با حسن نیت پروژه نقض کرد یا خیر.

۹۳ - خواهان اظهار داشته است که طبق استنباط وی، شرکت گاز قبل از امضای قرارداد بازپرداخت، پیشنهاد کالینگاز ژاپن، از جمله تعهدات تأمین سرمایه به نحو اصلاح شده را کاملاً پذیرفته بود. خواهان هم در لوایح خود و هم در جلسه استماع اظهار داشته است که چنانچه به وی اطمینان داده نشده بود که شرکت گاز قصد دارد تولید گاز طبیعی مایع را هم از طریق پروژه کالینگاز و هم از طریق سایر پروژه‌های تحت بررسی ادامه دهد، وی حقوق خود را به عنوان سهامدار در کالینگاز و حقوق خود بابت باز پرداخت به موجب قرارداد اعتبار را از دست نمی‌داد. به علاوه، خواهان اظهار داشته است که شرکت گاز از ترتیبات مالی مندرج در پیشنهاد کالینگاز ژاپن که مستلزم مشارکت در تأمین سرمایه توسط شرکت گاز، به علاوه تضمین دولت بود و در موقعیتهای متعدد به شرکت گاز ارائه شده بود، کاملاً آگاهی داشت. خواهان به ویژه اظهار می‌دارد که نامه مورخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] شرکت گاز به کالینگاز ژاپن در حکم پذیرش قطعی و الزام آور پیشنهاد کالینگاز ژاپن، از جمله ترتیبات مالی و لغو اخطار فسخ قرارداد مشارکت بود. خواهان همچنین به شهادتنامه و شهادت شفاهی آقای بارولازا رئیس هیئت نمایندگی سی بی ای استناد می‌کند.

۹۴ - شرکت گاز انکار می‌کند که پیشنهادهای اصلاحی تأمین سرمایه را هرگز پذیرفته باشد و خاطرنشان می‌کند که در نامه مورخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸]، تنها به پذیرش برنامه اصلاحی اجرای پروژه و نیز به این مطلب که "پروژه گاز طبیعی مایع که اینک در دست مذاکره است"، اشاره شده است. شرکت گاز اظهار می‌دارد که پیش از آن، در فوریه سال ۱۹۷۷ (بنگرید به بند ۳۱ فوق) ایراد خود را نسبت به اینگونه پیشنهادهای تأمین سرمایه اعلام کرده بود و اضافه می‌کند که وی نمی‌توانست ملزم به پذیرش پیشنهادی گردد که با قرارداد مشارکت مغایرت داشت.

۹۵ - دیوان اظهارات خواهان را مبنی بر اینکه شرکت گاز پروژه کالینگاز ژاپن را به طور کامل پذیرفته بود رد می‌کند. در نامه مورخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] تنها به قبول "برنامه اصلاحی اجرای پروژه ژاپن" اشاره شده است. علاوه بر آن، در نامه تصدیق شده که پروژه "اینک در دست مذاکره است".

۹۶ - بااینحال مسأله پذیرش یا رد برنامه مالی پیشنهادی توسط شرکت گاز را باید با توجه به سابقه و زمینه آن مسأله بررسی کرد. مذاکرات بین شرکت گاز و طرف دوم از زمان امضای قرارداد وام در اکتبر ۱۹۷۶ در جریان بود. بنگرید به بند ۲۸ فوق. در ژانویه ۱۹۷۷ در گزارش مشاورین مالی ابتدا اشاره شده بود که تضمین از ناحیه دولت لازم است. در جلسه عمومی سهامداران در ماه فوریه ۱۹۷۷ که آن گزارش مورد بحث واقع شد، شرکت گاز صراحتاً اظهار داشت که با هیچ نوع تغییری در اسناد اصلی، از جمله قرارداد مشارکت موافقت نخواهد کرد و شقوق دیگری که مستلزم تضمین از ناحیه دولت باشد از نظر وی قابل قبول نیست.

۹۷ - در تاریخ نهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [۲۹ آوریل ۱۹۷۷] طرف دوم به شرکت گاز اطلاع داد که حاضر است کار مرحله بعدی هر دو پروژه کریناویس و کالینگاز ژاپن را

آغاز کند ولی اعلام کرد که "تضمین دولت ایران برای تأمین گاز طبیعی ضروری است". روز بعد، سهامداران کالینگاز یک مصوبه هیأت مدیره را تأیید کردند که در آن، مشخصاً به قبول پیشنهاد مالی مورخ ۱۵ فروردین ماه ۱۳۵۶ [چهارم آوریل ۱۹۷۷] کریناویس (که در پرونده موجود نیست) اشاره و ادامه مذاکرات درباره پروژه کالینگاز ژاپن تصویب شده است. پیشنهاد کالینگاز ژاپن رسماً در ژوئن ۱۹۷۷ تسلیم شرکت گاز شد، ولی بدیهی است که مدتی قبل از آن تاریخ در دست تهیه بوده است. برنامه تأمین سرمایه، در یک نامه بعدی به تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۵۶ [۳۱ اوت ۱۹۷۷] به تفصیل تشریح و مشارکت در تأمین سرمایه توسط شرکت گاز و تضمین وام از طرف دولت در آن قید شده بود. بدین ترتیب، برنامه مالی پیشنهادی، با مفاد قرارداد مشارکت تطبیق نمی‌کرد.

۹۸ - مدرک دیگری که در اختیار دیوان است، صورتجلسه نشست مورخ اول آبانماه ۱۳۵۶ [۲۳ اکتبر ۱۹۷۷] سهامداران است. در این جلسه شرکت گاز کرارا تأکید کرد که منحصرأ "در چارچوب قرارداد مشارکت" خود را نسبت به "پروژه‌های گاز طبیعی مایع" متعهد می‌داند. دیوان این استنباط را عقلایی می‌داند که شرکت گاز با صدور اخطار فسخ به طرف دوم در روز بعد، هرچند که اشاره مشخصی به پیشنهاد تأمین سرمایه کالینگاز ژاپن در آن نشده، پیشنهاد کالینگاز ژاپن، ازجمله شروط مربوط به تأمین مالی را رد کرد. گرچه کالینگاز ژاپن به دادن اخطار اعتراض کرد، شرکت گاز طی نامه مورخ پنجم آذرماه ۱۳۵۶ [۲۶ نوامبر ۱۹۷۷] خود تأکید کرد که شرکای طرف دوم به طور کلی قرارداد را نقض کرده‌اند و پروژه کالینگاز ژاپن (به عنوان یک پروژه مستقل، بدون مشارکت سایر شرکای طرف دوم) "هنوز به مرحله تحقق نرسیده است".

۹۹ - به علاوه، دو روز قبل از آنکه شرکت گاز اخطار فسخ صادر کند، شرکای طرف دوم تفاهمنامه‌ای (که در پرونده موجود نیست) تهیه کرده بودند. طبق مفاد صورتجلسه

سهامداران که در روز بعد تشکیل شده، در این سند پذیرفته شد که:

چندین پروژه در چهارچوب طرح کالینگاز امکان پذیر است و شاید تمام سهامداران در هر یک از پروژه‌ها شرکت نکنند.... روش باز پرداختی در نظر گرفته شده که حقوق طرفهای غیر شرکت کننده نسبت به وصول پیش پرداختهای قبلی از محل فروش هریک از پروژه‌های گاز طبیعی مایع یا کلیه آنها، در آن مسلم شناخته شده است.... طرفهایی که در پروژه‌ها شرکت نکرده‌اند نیز با تجدید سازمان چهارچوب کالینگاز موافقت خواهند کرد تا این پروژه‌ها در صورت لزوم اجرا گردد.

۱۰۰- در تاریخ پنجم دیماه ۱۳۵۶ [۲۶ دسامبر ۱۹۷۷] کالینگاز ژاپن به یکایک بقیه شرکت کنندگان طرف دوم نامه‌ای نوشت و سی روز به ایشان فرصت داد که برای "شرکت در" پروژه کالینگاز ژاپن و قبول تعهد تأمین سهم متناسب خود از سرمایه و تأمین وام تصمیم گیرند. قرار بود شرکت کنندگانی که مایل به ادامه مشارکت نبودند، "... پیش پرداختهای خود را به نحوی که نهایتاً بین شرکت گاز و اعضای طرف دوم توافق می‌شود، دریافت کنند". آی اس سی به این دعوت پاسخ نداد و بدین ترتیب، تا ششم بهمن ماه ۱۳۵۶ [۲۶ ژانویه ۱۹۷۸] تصمیم گرفته بود که در پروژه کالینگاز ژاپن شرکت نکند. مدرکی حاکی از اینکه آیا آی اس سی در آن زمان، راجع به وصول احتمالی پیش پرداختهای خود، با شرکت گاز شروع به مذاکره کرده بود یا خیر، وجود ندارد. کالینگاز ژاپن سپس یک برنامه اصلاحی برای اجرای پروژه در ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۳ مارس ۱۹۷۸] به شرکت گاز تسلیم کرد که روز بعد مورد قبول شرکت قرار گرفت. متن کامل نامه در بند ۴۰ بالا نقل شده است. در برنامه اصلاحی، مهلت مذاکرات درباره قرارداد ساختمان از اواسط ماه مارس به اواسط ژوئن ۱۹۷۸ تمدید و مهلت امضای قراردادهای فروش گاز و گاز طبیعی مایع از ماه مارس به اواخر اکتبر ۱۹۷۸ موکول شد، ولی مهمتر از همه، مرحله "قبل از مذاکره" درباره تأمین سرمایه به اواسط ژوئن ۱۹۷۸ موکول شد که قرار بود یک طرح نهایی به بانک صادرات و واردات ژاپن ارائه گردد و تعهد رسمی و امضای قراردادهای وام در اکتبر ۱۹۷۸ صورت گیرد.

۱۰۱ - دیوان معتقد است که این نامه چند نکته مشخص را ثابت می‌کند. اولاً " همانطور که در بالا متذکر گردید، این نامه صرفاً حاکی از قبول اصلاحیه برنامه اجرایی است. ثانیاً حتی این قبولی نیز منوط به دریافت تأییدیه از کالینگاز ژاپن مبنی بر اعلام قصد آغاز پروژه قبل از انقضای مهلت شش ماهه مقرر در اخطاریه است. ثالثاً شرکت گاز موافقت می‌کند که چنانچه پروژه عملاً اجرا شود، اقدامی علیه کالینگاز ژاپن به موجب قرارداد مشارکت به عمل نیآورد. و بالاخره، نامه حاکی است که شرکت گاز آگاه بود که بعضی از شرکای فعلی طرف دوم در پروژه کالینگاز ژاپن مشارکت نخواهند کرد.

۱۰۲ - دیوان منطقی نمی‌داند که این نامه را به عنوان قبول پیشنهادات تأمین سرمایه کالینگاز ژاپن تفسیر کند. برنامه اصلاحی نشان می‌دهد که ترتیبات مالی جزو آخرین مسایلی بود که باید قطعیت می‌یافت و قرار بود قرارداد ساختمان و فروش مدتها قبل از تحصیل هرگونه تعهد مالی رسمی امضا یا پاراف شود و در نظر بود که کلیه مذاکرات مربوط به پروژه تا اواسط ژوئن ۱۹۷۸ پایان پذیرد و بدین ترتیب، مذاکرات مالی تنها مسایلی بود که در آن زمان هنوز فیصله نیافته بود. حتی در نامه اعلام وصول کالینگاز ژاپن که تنها هشت روز قبل از تجدید سازمان کالینگاز در آوریل ۱۹۷۸ ارسال شد نیز، اشعار گردید که: "تمامی سرمایه به نحوی که مورد توافق متقابل باشد توسط ژاپن تأمین خواهد گردید." دیوان معتقد است که شرکت گاز قبل از سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] به شرایط تأمین سرمایه اعتراض کرده بود. دیوان همچنین معتقد است که در این نامه، آن ایرادات پس گرفته نشد و به شرایط پیشنهاد کالینگاز ژاپن رضایت داده نشد و نامه مزبور لغو اخطار فسخ مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۶ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۷] نیز محسوب نمی‌شود. شرکت گاز در برابر طرف دوم، تنها به عنوان یک واحد دسته جمعی حق فسخ داشت و نه در برابر یکایک شرکت کنندگان. در نتیجه، شرکت گاز می‌توانست نسبت به طرف دوم تنها به عنوان یک واحد دسته جمعی اخطار فسخ را مسترد دارد. دیوان معتقد است که

شرکت گاز تا سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] یعنی یک روز قبل از خاتمه قرارداد مشارکت، اخطار فسخ به شرکت کنندگان طرف دوم را مسترد نکرد و آن هنگامی بود که وی قراردادهای تفویض و باز پرداخت را که در آنها شرکت کنندگان منصرف شده صراحتاً از حقوق خود اعراض کردند و از کلیه تعهدات ناشی از قراردادهای مشارکت و اعتبار بری‌الذمه شدند، امضاء کرد.

۱۰۳ - شرکت کنندگان طرف دوم در این هنگام هنوز ملزم بودند که پیشنهاد تأمین سرمایه‌ای تسلیم کنند که منطبق با قرارداد مشارکت باشد. اگر تأمین سرمایه پروژه طبق شرایط قرارداد مشارکت میسر نمی‌گردید، طرف دوم طبق ماده ۱۳ آن قرارداد اختیار داشت که برای انحلال قرارداد مشارکت به دلیل عدم امکان مطلق اجرای آن، مسأله را به داوری ارجاع کند.

۱۰۴ - برداشت شرکت گاز از این وضعیت نیز حائز اهمیت است. گرچه در صورت فسخ قرارداد مشارکت در این زمان هر دو طرف زیان می‌دیدند، اما شرکت گاز با کشف و تأیید میدان پارس تا حدود زیادی از قرارداد مشارکت منتفع شده بود و اگر قرارداد مشارکت فسخ می‌شد، دست شرکت گاز باز بود که در مورد ذخایر ثابت شده با سایر شرکتها وارد مذاکره شود. اشکال عمده کار شرکت گاز ظاهراً این بود که جریان انداختن گاز طبیعی مایع مدتی به تأخیر می‌افتاد و امتیاز شرکت گاز در ادامه کار با شرکت کنندگان موجود طرف دوم این بود که آنها طبق قرارداد مشارکت متعهد بودند بدون سهم‌الشرکه‌ای از طرف شرکت گاز یا تضمین دولت، سرمایه پروژه را تأمین کنند، حال آنکه شرکت گاز احتمالاً نمی‌توانست چنین شرایطی را از شرکت‌های دیگر تحصیل کند.

۱۰۵ - در نتیجه، دیوان براساس مدارک موجود نزد خود - از جمله ایرادات شرکت گاز به پیشنهاد در اکتبر ۱۹۷۷ و در نبود هرگونه پذیرش مشخص پیشنهادهای اصلاحی

تأمین سرمایه یا اصلاحیه قرارداد مشارکت - این استنباط را منطقی نمی‌داند که شرکت گاز طی نامه مورخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] خود پیشنهادهای تأمین سرمایه‌ای را که خلاف موضع اعلام شده وی بود، پذیرفته بوده است. بدین ترتیب، دیوان معتقد است که هنگامی که آی اس سی و شرکت گاز قرارداد باز پرداخت را منعقد کردند، این موضوع فیصله نیافته باقی مانده بود.

۱۰۶ - به علاوه، دیوان این اظهار خواهان را نمی‌پذیرد که بدون اطمینان از اینکه شرکت گاز قصد تولید گاز طبیعی مایع را دارد، حاضر نمی‌شد حقوق خود را به عنوان سهامدار از دست بدهد. آی اس سی قبلاً تصمیم گرفته بود که در پروژه کالینگاز ژاپن شرکت کننده فعالی نباشد. قبل از امضای قرارداد باز پرداخت، آی اس سی طبق قرارداد مشارکت متعهد شده بود که مقدار قابل توجهی سرمایه برای پروژه کالینگاز تأمین کند. هرچند صراحتاً تصدیق نشده، برای دیوان روشن است که آی اس سی در موقعیتی نبود که چنین سرمایه‌ای را تأمین کند و در واقع هیچیک از شرکت کنندگان طرف دوم نتوانسته بود طبق شرایط مندرج در قرارداد مشارکت، سرمایه لازم را تأمین کند. بنابراین میرا شدن آی اس سی از تعهدات خود به موجب قرارداد مشارکت، عامل عمده‌ای در تصمیم وی به انعقاد قرارداد باز پرداخت بود که این حسن را نیز داشت که مبالغ پیش پرداختی را به عنوان طلب مسلم تعیین و نرخ بهره‌ای نسبت به آن معین می‌کرد.

۱۰۷ - علاوه بر آن، ظاهراً آی اس سی کاملاً به تفسیرهای دست دوم از اوضاع و نه به اطمینان مستقیمی از جانب شرکت گاز اتکا کرده بود. در یادداشت داخلی خود آی اس سی که درست یک هفته قبل از امضای قرارداد باز پرداخت صادر شد، اشعار گردیده، "طبق اطلاعات واصل از [سی بی آی]، کلیه طرفها نسبت به پیشرفت پروژه و تضمین استرداد پیش پرداختها خوشبین هستند".

(ج) - تعهد اقدام با حسن نیت

۱۰۸ - دیوان هنوز باید این مسأله را بررسی کند که آیا اعمال خواندگان بعد از سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸]، از جمله اینکه، ایشان بالاخره پروژه کالینگاز را شروع نکردند، تخلف از تعهد اقدام با حسن نیت محسوب می‌شده است یا خیر. خواهان اظهار می‌دارد که در سپتامبر ۱۹۷۹، خواندگان با "تصمیم غیر معقول" به عدم مشارکت با شرکتهای خارجی برای توسعه منابع گاز طبیعی، امید شروع به هر پروژه گاز طبیعی را مبدل به یأس کردند و با اینکار، شرکت گاز از تکلیف خود به اقدام با حسن نیت تخلف کرد. شرکت گاز اظهار می‌دارد که کلیه پیشنهادهای تسلیمی مربوط به گاز طبیعی مایع را با حسن نیت بررسی کرد، ولی هیچ پروژه قابل اجرایی آماده برای پذیرش نبود.

۱۰۹ - دیوان قبلاً نظر داده است که شرکت گاز از دهم شهریورماه ۱۳۵۷ [اول سپتامبر ۱۹۷۸] قسمتی از تعهدات خود بابت باز پرداخت را به موجب قرارداد باز پرداخت نقض کرده بود. بنگرید به: بند ۸۷ فوق. هرچند آن تخلف مستمر با موضوع اجرای توافق با حسن نیت وظایف شرکت گاز بی ارتباط نیست، دیوان قبلاً نتیجه گرفته است که تخلف مزبور لغو تمامی قرارداد باز پرداخت محسوب نمی‌شده است. بنگرید به: بند ۸۸ فوق. دیوان ملاحظه می‌کند که هیچ مدرکی از آن زمان در پرونده وجود ندارد که ثابت کند آی اس سی هیچگاه این تخلف خاص از شرایط باز پرداخت را به عنوان تخلف کلی اقدام با حسن نیت از جانب شرکت گاز تلقی می‌کرده است. دیوان نتیجه می‌گیرد که قصور شرکت گاز در پرداخت سهم آی اس سی از عواید فروش تجهیزات، نقض تعهد وی در تعقیب توافق با حسن نیت پروژه کالینگاز محسوب نمی‌شده است.

۱۱۰ - گرچه دیوان توجه دارد که ممکن است تغییری در نظر دولت نسبت به اینگونه

پروژه‌ها بطور کلی، حادث شده باشد، اما دیوان نمی‌تواند براساس مدارک موجود نزد خود، نظر دهد که اینگونه تغییر دید، در حکم نقض تعهد اقدام با حسن نیت هیچیک از خواندگان در برابر آی اس سی بوده است. تعهد شرکت گاز این بود که برای توسعه پروژه کالینگاز با حسن نیت به مذاکره بپردازد. خواهان هیچ مدرک مشخصی غیر از استناد به عدم اجرای چنین پروژه و مطالبی که حسب ادعا آقای اعتماد در سپتامبر ۱۹۷۹ اظهار داشته بود ارائه نکرده که نشان دهد شرکت گاز یا سایر خواندگان با حسن نیت عمل نکرده‌اند.

۱۱۱ - شواهد و قراین چندان‌ی در دست نیست تا به دیوان نشان دهد که شرکت گاز پیشنهادهای تأمین سرمایه کالینگاز ژاپن را در زمانی بین آوریل ۱۹۷۸ و سپتامبر ۱۹۷۹ پذیرفته باشد. دیوان ملاحظه می‌کند که در پیشنویس موافقتنامه سهامداران که در دسامبر ۱۹۷۸ برای امضاء تهیه و توسط آی اس سی به عنوان مدرک تسلیم شده، تضمین دولت شرط شده است. اگر آن موافقتنامه امضاء شده بود، بدون تردید جایگزین مفاد قرارداد مشارکت می‌شد که دفاع شرکت گاز بر آن مبتنی است. شرکت گاز عدم امضای آن را به عنوان دلیل ادامه رد موضوع تضمین دولت ذکر می‌کند تا دلیل پذیرش آن. کالینگاز ژاپن در نامه‌ای به تاریخ نوامبر ۱۹۷۹ اشاره می‌کند که دلیل اینکه این موافقتنامه امضاء نشد، رویدادهای انقلاب ایران بود. ولی به نظر دیوان، عدم امضای این موافقتنامه تا حدودی نیز ناشی از این بود که کریناویس به عنوان شرکت کننده طرف دوم در کالینگاز و در نتیجه، در پروژه کالینگاز ژاپن باقی ماند، هرچند بدیهی است که این امر خلاف منظور کالینگاز ژاپن بود. مکاتبات بعدی کالینگاز ژاپن نشان می‌دهد که قراردادهای لازم در مورد فروش گاز طبیعی مایع قبل از سپتامبر ۱۹۷۹ امضاء شده بود، ولی موکول به تکمیل "ترتیبات مالی لازم و کسب مجوزهای لازم از دولتین ایران و ژاپن بود" و عدم انتقال سهام متعلق به کریناویس در کالینگاز، اجرای ترتیبات مالی را به تأخیر انداخت. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که قبل از جلسه ملاقات با کالینگاز ژاپن در

سپتامبر ۱۹۷۹، ترتیبات مالی قطعیت نیافته بود.

۱۱۲ - به علاوه، از نحوه انشایی که کالینگاز ژاپن در گزارش جلسه مورخ هفتم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] به کار برده، روشن است که این ایراد شرکت گاز کماکان به قوت خود باقی بود که طرف دوم طبق قرارداد مشارکت، متعهد به تأمین سرمایه بود و کالینگاز ژاپن هنوز در برابر آن قرارداد متعهد بود. خواهان به عنوان دلیل سوء نیت ادعایی خواندگان در لغو قرارداد، قویاً به این رویداد استناد می‌کند. آی اس سی یا نماینده وی در این جلسه شرکت نداشتند و از اینکه آی اس سی هنگام دریافت گزارش این اظهارات به آن اعتراض کرده یا حتی درخواست تأیید آنرا از شرکت گاز کرده باشد، نشانی در پرونده یافت نمی‌شود.

۱۱۳ - به علاوه، نماینده شرکت گاز در جلسه سپتامبر ۱۹۷۹ شش ماه دیگر به کالینگاز ژاپن فرصت داد تا پیشنهاد قابل قبولی از لحاظ تأمین سرمایه تسلیم کند. شرکت گاز این مهلت شش ماهه را مجدداً تمدید کرد و همانطور که در بند ۵۳ فوق ملاحظه شد، شرکت گاز عملاً تا آوریل ۱۹۸۱، یعنی تا حدود هیجده ماه بعد، قرارداد مشارکت را فسخ نکرد و هنگامیکه آخر الامر قرارداد مشارکت را فسخ کرد، فسخ بر اساس همان ایراداتی صورت گرفت که ابتدا در اخطار مورخ اکتبر ۱۹۷۷ شرکت گاز یعنی سه سال و نیم قبل ذکر شده بود. بدین ترتیب، شرکت گاز نشان داده است که تا آوریل ۱۹۸۱ که بالاخره آن شرکت قرارداد مشارکت را از تاریخ مقدمی فسخ کرد، به مذاکره با کالینگاز ژاپن برای اجرای یک پروژه کالینگاز ادامه داد. اختلافی نیست که خود قرارداد باز پرداخت توسط هیچیک از طرفین فسخ نشده است.

۱۱۴ - بنابراین دیوان معتقد است که شرط مقدم بر باز پرداخت طبق قرارداد باز پرداخت در اثر هیچ تخلف اساسی از ناحیه خواندگان قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] زایل نشده و در نتیجه، حقی برای باز پرداخت فوری در آن تاریخ ایجاد

نشده بود. لذا لزومی ندارد که دیوان بر این موضوع بپردازد که آیا اقدامات شرکت گاز بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در فسخ قرارداد مشارکت و اقدام به انحلال پروژه کالینگاز - و بدین ترتیب، غیر ممکن ساختن باز پرداخت مبلغ وام از محل عواید فروش پروژه کالینگاز - در حکم نقض اساسی تعهد شرکت گاز در تعقیب توافق با حسن نیت اینگونه پروژهها بوده است، یا خیر.

۱۱۵ - بنابراین بقیه ادعای خواهان در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا نبوده، رد می شود.

و - ادعای سلب مالیکت

۱۱۶ - خواهان در جلسه استماع سپتامبر ۱۹۸۷ برای اولین بار این استدلال را مطرح کرد که به لحاظ مطالبی که حسب ادعا راجع به سیاست دولت از طرف ایران در جلسه هفتم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] عنوان شده، از حقوق قراردادی آی اس سی عملاً "سلب مالکیت شده است". آی اس سی استدلال کرد که این اقدام ارزش حقوق وی را نسبت به قرارداد باز پرداخت زایل کرده است. آی اس سی در تأیید استدلال خود به تصمیم دیوان در حکم شماره ۱ - ۲۴ - ۳۱۴ مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷] در پرونده استارت هاوژینگ کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 112 Iran-U.S. C.T.R. 16) استناد می کند. خواندگان در جلسه استماع به ادعای سلب مالکیتی که آی اس سی به تازگی مطرح کرده بود اعتراض کردند و اظهار داشتند که تصمیم متخذه در پرونده استارت ارتباطی با این پرونده ندارد.

۱۱۷ - دیوان ادعای سلب مالکیت آی اس سی را رد می کند. خواهان مدرکی در تأیید اظهارات خود یا برای اثبات هرگونه مداخله دولت در کالینگاز قبل از ۲۹ دیماه

۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، سوای آن رویدادهایی که دیوان قبلاً در بندهای ۱۱۳-۱۰۸ فوق مورد بررسی قرار داده، ارائه نکرده است. بنابراین دیوان لازم نمی‌داند که فرضیه تخییری سلب مالکیت را و اینکه آن فرضیه به موقع مطرح شده است یا خیر، مورد بررسی قرار دهد.

بخش چهار - ادعاهای متقابل

۱۱۸ - شرکت گاز ادعاهای متقابلی به مبلغ ۹،۳۸۲،۴۶۰ دلار امریکا بابت استرداد وجوهی که آن شرکت حسب ادعا به امید اینکه پروژه نهایتاً به طور کامل اجرا خواهد شد، هزینه نموده است، به علاوه مبلغ /- ۶۱۶،۰۰۰،۰۰۰ دلار امریکا بابت عواید از دست رفته در اثر قصور ادعایی خواهان در ترتیب دادن سرمایه برای یک پروژه گاز طبیعی مایع طبق مفاد قرارداد مشارکت، مطرح کرده است. شرکت گاز استدلال می‌کند که آی اس سی تعهدات قراردادی خود را در برابر شرکت گاز نقض کرد و بدانوسیله مانع شد که شرکت گاز و ایران ذخایر گاز طبیعی خود را توسعه دهند.

۱۱۹ - دیوان این ادعاهای متقابل را به دلیل فقد صلاحیت رد می‌کند. طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعای متقابل باید "از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که موضوع ادعای" آی سی اس را تشکیل می‌دهد، ناشی شود. در اینجا ادعاهای متقابل از تخلف ادعایی از قرارداد مشارکت ناشی می‌شود، ولی ادعای آی اس سی از قرارداد مشارکت که آی اس سی با امضای موافقتنامه تفویضی از آن بری‌الذمه گردید، ناشی نشده، بلکه از قرارداد باز پرداخت ناشی می‌گردد. در نتیجه، ادعاهای متقابل با شرایط صلاحیت دیوان تطبیق نمی‌کنند.

بخش پنج - بهره و هزینه‌ها

۱۲۰ - در جلسه استماع، خواهان ادعایی بابت بهره مرکب بر اساس مفاد ماده ۵ قرارداد باز پرداخت اقامه و اظهار داشت که قرارداد تلویحا" تعلق بهره مرکب را مقرر داشته است. شهود خواهان نیز شهادت دادند که در اینگونه قراردادها بهره مرکب معمول است.

۱۲۱ - دیوان تاکنون هیچگاه حکم به پرداخت بهره مرکب نداده است. در قرار اعدادی شماره ۳ - ۱۶۷ - ۶۵ مورخ ۱۹ آذرماه ۱۳۶۵ [دهم دسامبر ۱۹۸۶] صادره در پرونده آناکاندا - ایران، اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران ص ص ۶۱ - ۶۰ (منتشره در 199,234-35 Iran-U.S. C.T.R. 13) دیوان متذکر گردید که مراجع قضایی به عنوان یک قاعده کلی از صدور حکم بهره مرکب، به دلیل اثر ذاتی آن در نامتناسب کردن مبلغ خسارت دریافتی نسبت به زیان واقعی که باید جبران شود، اجتناب می‌کنند.

۱۲۲ - دیوان هیچ مبنای قراردادی برای صدور حکم به پرداخت بهره مرکب در این پرونده نمی‌بیند. در ماده ۵ قرارداد باز پرداخت صریحا" یا تلویحا" اشاره‌ای به بهره مرکب نشده است. به علاوه، طبق اذعان خواهان در جلسه استماع، مبلغ بهره مقرر در قرارداد باز پرداخت که تا دهم دیماه ۱۳۵۶ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۷] تعلق می‌گرفته، بر اساس بهره ساده محاسبه شده بود. این اظهار که روش محاسبه بهره طبق ماده ۵، بسته به دوره مورد بررسی، یعنی قبل یا بعد از دهم دیماه ۱۳۵۶ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۷] تفاوت می‌کند، مستلزم تصریح چنین قصدی است.

۱۲۳ - بر این اساس، و طبق حکم شماره ۳ - ۸۹ - ۲۲۵ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶] دیوان در پرونده مک کالو اند کامپنی اینکوریوریتد و وزارت پست و تلگراف و تلفن، (منتشره در 3 Iran-U.S. C.T.R. 11) ، دیوان مقتضی می‌داند که حکم به پرداخت بهره ساده صادر کند. طبق توافق قراردادی

مندرج در ماده ۵ قرارداد باز پرداخت، چنین بهره‌ای باید به نرخ یک درصد (۱٪) بالاتر از نرخ بهره ممتاز فرست نشنال بانک آو شیکاگو در مورد وامهای تجاری نود روزه اعطایی به وام گیرندگان عمده و معتبر و تاریخ شروع آن دهم شهریورماه ۱۳۵۷ [اول سپتامبر ۱۹۷۸] باشد. بنگرید به: بند ۸۷ بالا. دیوان نرخ بهره قراردادی را براساس متوسط سالانه محاسبه کرده و حکم بهره را بر همان اساس اعلام خواهد کرد.

۱۲۴ - خواهان همچنین از دیوان درخواست کرده است که حکمی به مبلغ ۷۷،۷۵۷/۰۸ دلار بابت هزینه و همچنین حکم به حق الوکاله معقولی صادر نماید. شرکت گاز و ایران هر دو حکمی بابت هزینه و حق الوکاله درخواست کرده‌اند. در جلسه استماع، شرکت گاز هزینه‌ها و حق الوکاله‌های خود را مبلغ -/۳۴،۰۰۰ دلار برآورد کرد. دیوان مقرر می‌دارد که هر یک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را متقبل گردد.

بخش شش - حکم

۱۲۵ - به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم می‌دهد:

(الف) خوانده، شرکت ملی گاز ایران، مکلف است مبلغ یکصد و هفتاد و دو هزار و سیصد و دو دلار و بیست و سه سنت (۱۷۲،۳۰۲/۲۳ دلار امریکا) به علاوه بهره ساده به نرخ دوازده و هشتاد و هشت صدم درصد (۱۲/۸۸٪) در سال از تاریخ دهم شهریورماه ۱۳۵۷ [اول سپتامبر ۱۹۷۸] لغایت تاریخی

که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر کند، به اینترنت‌نشال سیستمز اند کنترولز کورپوریشن بپردازد.

(ب) کلیه ادعاهای دیگر اینترنت‌نشال سیستمز اند کنترولز کورپوریشن مردود اعلام می‌شوند.

(ج) این تعهد با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ایفا خواهد شد.

(د) ادعاهای متقابل شرکت ملی گاز ایران رد می‌شوند.

(ه) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متقبل گردد.

حکم حاضر به منظور ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می‌شود.

لاسه، به تاریخ ۴ اردیبهشتم ماه ۱۳۶۹ برابر با ۲۴ آوریل ۱۹۹۰

گایتانو آرانجیو- روئیتس
رئیس شعبه سه

به نام خدا

پرویز انصاری معین

نظر موافق

چارلز ان. براونر
نظر موافق و مخالف

اینجانب در مجموع با حکم حاضر موافقم،

اما لازم می‌دانم این مطلب را، از جمله، اضافه کنم که دیوان می‌بایست نسبت به دعاوی متقابل احراز صلاحیت می‌کرد؛ زیرا دعاوی مزبور از یک سلسله روابط قراردادی ناشی می‌شوند که تشکیل معامله‌ای به مفهوم مورد نظر در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی را می‌دهند. راجع به موضوع بهره، گرچه بهره مورد حکم در پرونده حاضر، مبتنی بر توافق قراردادی است، اینجانب نیازی به تکرار نظرات قبلی خود نمی‌بینم. بنگرید به: نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری معین در پرونده مک کالو اند کامپنی، اینک و وزارت پست و تلگراف و تلفن، و سایرین، حکم شماره ۳-۸۹-۲۲۵ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶]، منتشره در
. 11 Iran-U.S. C.T.R. 45-52